

## Managing the Extra-Hyrcanian Forests of Iran (Part three: 1996-2010)

M. Ebrahimi Rostaghi

Forest and Rangeland Expert, Natural Resources and Watershed Management Organization, Tehran, Iran  
E-mail: m\_ebrahimi\_r@yahoo.com

Received: 06.05.2024

Accepted: 20.05.2024

### Abstract

**Background and objectives:** This research aims to review and evaluate the management process of Extra-Hyrcanian Forests in Iran. The first and second parts of this study, published in previous issues of the Iranian Journal of Forest and Poplar Research, examined the management process from its inception until 1996, organized into specific time frames. The current article focuses on the period from 1996 to 2010.

**Methodology:** The sources used to compile this information include reports, implemented forestry plans, identification and semi-detailed studies, field observations, and over 30 years of experience in the Extra-Hyrcanian Forests.

**Results:** An initial assessment of management actions up to 1996 identified five major reasons for the lack of success in managing the Extra-Hyrcanian Forests: 1) the uneconomical implementation of forestry plans in the short and medium term for forest dwellers; 2) inefficient management based on structural organizations that were prone to evasion of responsibility; 3) divergence, lack of cooperation, and interaction among those involved in managing forest ecosystems; 4) designs based on the model of Hyrcanian forestry plans; and 5) the execution of all activities solely by government entities, resulting in a lack of public participation. Consequently, a forest resource management plan was proposed in 1996 and implemented for two years. The key components of this plan included comprehensive studies, the formation of study and design teams, preparation of a service description tailored to the characteristics of the forests, establishment of community organizations for plan implementation, approval of prepared plans for execution, assignment of implementation tasks to relevant cooperatives, and oversight by the Forests and Range Organization of Iran. Following the presidential elections in 2017, the organization halted the forest resources management plan and initiated three major activities under the titles of Green Movement, Touban Plan, and development of wood farming as its primary initiatives. Since 1998, other plans and programs, including conservation initiatives, have replaced the forest resources management plan, none of which have succeeded.

**Conclusion:** In summary, it can be concluded that the period during which forest resource management plans were implemented represents the best management phase for Extra-Hyrcanian Forests in Iran.

**Keywords:** Conservation plan, forest resource management plan, Touban plan, wood farming.

## روند مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی ایران (بخش سوم: از سال ۱۳۷۵ تا اواخر دهه ۱۳۸۰)

مرتضی ابراهیمی رستاقی

کارشناس جنگل و مرتع، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، تهران، ایران. پست الکترونیک: m\_ebrahimi\_r@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷

### چکیده

سابقه و هدف: این پژوهش با هدف مرور و ارزیابی روند مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی انجام شد. در بخش‌های اول و دوم که در شماره‌های پیشین نشریه تحقیقات جنگل و صنوبر ایران به چاپ رسید، روند مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی از ابتدا تا سال ۱۳۷۵ در قالب بازه‌های زمانی مشخص بررسی شد. نوشتار پیش‌رو به بازه زمانی از ۱۳۷۵ تا اواخر دهه ۱۳۸۰ اختصاص دارد. مواد و روش‌ها: منابع اطلاعاتی مورد استفاده شامل گزارش‌ها، طرح‌های جنگل‌داری تهیه و اجرا شده، مطالعه‌های شناسایی و نیمه‌تفصیلی و نیز مشاهده‌های میدانی و تجربه حضور بیشتر از ۳۰ سال در جنگل‌های فراهیرکانی هستند. نتایج: پس از آسیب‌شناسی انجام‌شده از مجموعه اقدام‌های مدیریتی در جنگل‌های فراهیرکانی تا سال ۱۳۷۵، دلایل اصلی عدم موفقیت در مدیریت این جنگل‌ها در پنج موضوع شامل (۱) غیراقتصادی بودن اجرای طرح‌های جنگل‌داری در کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای جنگل‌نشینان، (۲) مدیریت ناکارآمد بر پایه تشکیلات ساختاری مستعد مسئولیت‌گریزی، (۳) واگرایی، عدم همکاری و تعامل دست‌اندرکاران مدیریت بوم‌سازگان جنگلی، (۴) طراحی بر مبنای الگوی طرح‌های جنگل‌داری هیرکانی و (۵) طراحی و اجرای صددردصد فعالیت‌ها به صورت دولتی و عدم مشارکت مردمی خلاصه شده‌اند. به دنبال آن، طرح مدیریت منابع جنگلی در سال ۱۳۷۵ پیشنهاد و به مدت دو سال اجرا شد. مؤلفه‌های اساسی این طرح عبارت بودند از جامع‌نگری مطالعه‌ها، تشکیل تیم‌های مطالعاتی و طراحی، تهیه شرح خدمات طرح متناسب با ویژگی‌های جنگل‌های مورد عمل، ایجاد تشکل‌های مردمی برای اجرای طرح‌ها، تصویب طرح‌های تهیه‌شده برای اجرا، واگذاری اجرای طرح‌های مصوب به تعاونی‌های مربوطه و نظارت عالی بر اجرای طرح توسط سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور. پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۷۶، سازمان متبوع، طرح مدیریت منابع جنگلی را متوقف کرد و سه فعالیت عمده با عنوان نهضت سبز، طرح طوبی و توسعه زراعت چوب را به عنوان سه طرح محوری سازمان به اجرا گذاشت. در واقع، از سال ۱۳۷۷ طرح‌ها و برنامه‌های دیگری از جمله طرح صیانت، جایگزین طرح مدیریت منابع جنگلی شد که در عمل، هیچ‌یک توفیق نیافت. نتیجه‌گیری کلی: در جمع‌بندی عملکرد این بازه زمانی می‌توان گفت دوره‌ای که طرح‌های مدیریت منابع جنگلی اجرایی شدند، بهترین دوران مدیریتی جنگل‌های فراهیرکانی بود.

واژه‌های کلیدی: زراعت چوب، طرح صیانت، طرح طوبی، طرح مدیریت منابع جنگلی.

### مقدمه

شده‌ام و از آن تاریخ در جریان مستقیم امور نیستم (موارد عنوان‌شده تا اینجا را یا خود در جریان امور قرار داشته‌ام و یا مطالب نقل‌شده از گذشته بر مبنای منابع مدون و در دسترس اخذ شده است، اما در سال‌های اخیر، نه در جریان امور بوده‌ام و نه اطلاعات مدون برای بررسی و اظهار نظر از ناحیه متولیان

اینکه بازه زمانی بخش سوم از مجموعه مقاله‌های «روند مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی ایران» از سال ۱۳۷۵ شروع شده و پایان آن به زمان خاصی محدود نشده است، دو دلیل دارد: نخست اینکه این جانب در پایان سال ۱۳۸۹ بازنشسته

جنگل‌های فراهیرکانی و به‌ویژه جنگل‌های حوزه رویشی زاگرس، مورد ادعای مردمی بود. همین امر سبب تذکر دولتمردان و به‌ویژه نمایندگان مجلس به سازمان جنگل‌ها و مراتع وقت در امر توجه بیشتر به این منابع شد. در سال ۱۳۷۴ جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی وقت با انتقاد از عملکرد سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور مبنی بر تمرکز این سازمان بر جنگل‌های هیرکانی و کم‌توجهی به مدیریت جنگل‌های زاگرس، ضرب‌الاجلی را برای اعلام برنامه‌های سازمان در ارتباط با جنگل‌های زاگرس تعیین کردند.

در هفتم فروردین ۱۳۷۵ رئیس وقت سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور ضمن حضور در حوزه معاونت جنگل، مستقر در ستاد سازمان در شهرستان چالوس، حوزه مذکور را به بررسی و آسیب‌شناسی عدم توفیق طرح‌های بخش جنگل در زاگرس و نیز ارائه برنامه‌ای برای برون‌رفت از چالش وضعیت موجود در موعدی مقرر مکلف کرد. ایشان بر بسیج همه نیروها و امکانات دفتراهای ستادی حوزه معاونت جنگل (فنی جنگلداری، جنگل‌کاری و پارک‌ها و بهره‌برداری) برای حضور در جنگل‌های زاگرس تأکید کرد.

به‌دنبال سفر ریاست سازمان و تأکید بر حضور هرچه بیشتر حوزه معاونت جنگل در جنگل‌های زاگرس، کمیته‌ای برای بررسی وضعیت موجود و آسیب‌شناسی عدم توفیق طرح‌های پیشین و نیز ارائه نقشه راه برای مدیریت جنگل‌های زاگرس تشکیل شد. کمیته پیگیری تعیین‌شده متشکل از نمایندگانی از دفتراهای ستادی حوزه معاونت جنگل (محمود سرابی از دفتر جنگل‌کاری و پارک‌ها، زنده‌یاد اسلامی منوچهری و جمال لطیفی از دفتر بهره‌برداری) و نگارنده به‌عنوان سرپرست کمیته و به نمایندگی از جانب دفتر فنی جنگلداری و حوزه معاونت جنگل بود. ضمن اینکه کارشناسان مجرب و به‌ویژه با سابقه فعالیت در جنگل‌های فراهیرکانی از حوزه معاونت جنگل، همکاری نزدیک با کمیته مورد نظر داشتند. در ابتدا، همه سوابق مدون موجود و مطالعه‌ها و بررسی‌های جنگل‌های فراهیرکانی جمع‌آوری و جمع‌بندی شد. همچنین، طی جلسه‌های متعدد با حضور اعضای کمیته و کارشناسان مجرب مورد مشاوره (از جمله

مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی در دسترس است). دوم اینکه براساس اطلاعات مختصری که از عملکرد در جنگل‌های فراهیرکانی و به‌ویژه از طریق فضای مجازی در دسترس است، به‌نظر نمی‌رسد تغییر معنی‌داری که قابل زمان‌بندی باشد، ایجاد شده باشد.

سال ۱۳۷۵ را باید نقطه عطفی در مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی به‌شمار آورد. چنانچه پیش از این نیز گفته شد، واقعیت این است که پس از انقلاب، توجهی بیشتر از گذشته به جنگل‌های فراهیرکانی معطوف شد. البته، این توجه براساس مقتضای زمان و به‌ویژه افزایش دانش‌آموختگان رشته‌های مرتبط با علوم جنگل و به‌خصوص کارشناسان بومی مناطق، امری بدیهی بود و به‌معنی نادیده گرفتن فعالیت‌های درخور توجه گذشتگان نیست. همان‌طور که بیان شد، مدیریت علمی جنگل که سرآغاز آن را تهیه و اجرای طرح‌های جنگلداری تعیین می‌کند، به‌تقریب هم‌زمان در جنگل‌های هیرکانی و فراهیرکانی شروع شد (در جنگل‌های هیرکانی از سال ۱۳۳۸ و در جنگل‌های زاگرس و ارسباران از آغاز دهه ۴۰)، اما به‌دلایل مختلف و به‌ویژه کمبود نیروی کارشناسی، توجه به جنگل‌های تجاری هیرکانی در آغاز فعالیت‌ها بیشتر بود (Ebrahimi Rostaghi, 2023).

اگرچه پس از انقلاب به جنگل‌های فراهیرکانی، توجهی بیش‌ازپیش شد، بااین‌حال چنانچه ذکر شد، توفیقی قابل‌ملاحظه به‌ویژه در اجرای طرح‌های بخش جنگل حاصل نشد (Ebrahimi Rostaghi, 2024). بی‌تردید، جنگل به‌عنوان شاخص‌ترین پدیده طبیعی و محیط‌زیستی مورد توجه عمومی است. توجه روزافزون به محیط‌زیست و افزایش مطالبه‌های مردمی در قبال آن موجب شد که عدم توجه به جنگل‌ها و یا حتی نوع توجه به جنگل‌ها، مورد اعتراض واقع شود. اگرچه حساسیت عمومی در قبال جنگل‌های هیرکانی نسبت به جنگل‌های کمترشناخته‌شده فراهیرکانی، بیشتر و پیش‌تر نمود یافت، اما در ادامه، این حساسیت فراگیر شد. چه‌بسا امروزه مطالبه‌های مردمی در قبال جنگل‌های رو به زوال زاگرس، بیشتر از جنگل‌های هیرکانی است. به هر صورت، در دهه هفتاد خورشیدی، عدم توجه کافی به

داشت. در چنین وضعیتی، چنانچه کل اعتبارات سالانه به تهیه و اجرای طرح‌های جنگل‌داری در یک یا دو منطقه بوم‌شناختی اختصاص می‌یافت و به جنگل‌های مناطق دیگر توجهی نمی‌شد، ایرادی را در ظاهر قضیه، متوجه حوزه معاونت جنگل و پیرو آن، دفتر متولی مدیریت کل جنگل‌های کشور نمی‌کرد. چنانچه طی سال‌های اعمال مدیریت جنگل‌ها با برخورداری از ردیف اعتباری واحد، توجه دفتر فنی جنگل‌داری بر جنگل‌های تجاری معتدله و مرطوب هیرکانی (جنگل‌های نیم‌رخ شمالی البرز) متمرکز بود. به‌عنوان نمونه، رویشگاه‌های خشک و نیمه‌گرمسیری شبه‌ساوان خلیج و عمانی، جایگاه قابل‌توجهی نداشت. این امر، زمینه مسئولیت‌گریزی متولی مدیریت جنگل‌های کشور را به‌سہولت فراهم می‌کرد. ذکر نمونه‌ای در راستای تأیید ادعای مذکور، اگرچه ممکن است قدری سبک و غیرحرفه‌ای به‌نظر آید، اما واقعیت نهفته در این مثال طنزگونه در واقع همان صدق ادعای مسئولیت‌گریزی است. آن هم اینکه در یکی از مأموریت‌های این‌جانب به یکی از استان‌های جنوبی کشور در مقام کارشناس معین استان از ناحیه دفتر فنی جنگل‌داری، مدیر کل منابع طبیعی استان از این‌جانب، درخواست ارائه تصویری (عکس) از چهره مدیرکل وقت دفتر فنی جنگل‌داری را کردند تا در جلسه‌های رده بالای سازمان در صورت مواجهه با مدیر مربوطه، قادر به شناسایی ایشان باشد و در صورت لزوم، امکان همراهی با ایشان در سیاست کلی اداره جنگل‌های استان و کشور را داشته باشند. این امر در خصوص کل دفترهای حوزه معاونت جنگل مصداق نداشت. به‌عنوان مثال، دفتر جنگل‌کاری و پارک‌ها، حضوری فعال را در مناطق خارج از شمال داشت. به‌طوری‌که حتی حضور کمی و کیفی دفتر یادشده در خارج از شمال به‌مراتب بیشتر از جنگل‌های شمال کشور بود. دفتر فنی جنگل‌داری، مسئول تهیه و اجرای طرح‌های جنگل‌داری بوده است. در برخی دیدگاه‌ها، طرح جنگل‌داری به‌عنوان مادر علم جنگل‌داری محسوب می‌شود، بنابراین عدم حضور و یا حضور دفتر فنی جنگل‌داری، بیشتر از دفترهای دیگر به‌چشم می‌آمد. برپایه همین دیدگاه، فعالیت‌های جنگل‌کاری، پارک‌داری، تولید نهال، بهره‌برداری

محمدعلی هدایتی، مرتضی شریفی، علیرضا اسدی، عبادالله محمودی طالقانی و منصور تهرانی) ضمن ارائه جمع‌بندی اقدام‌های گذشته، مهم‌ترین اصول نقشه راه کلی برای مدیریت آینده جنگل‌های فراهیرکانی با تأکید بر جنگل‌های حوزه رویشی زاگرس تبیین شد. سرفصل‌های جمع‌بندی اقدام‌های گذشته و دلایل عدم توفیق طرح‌های بخش جنگل و به‌ویژه طرح‌های جنگل‌داری به‌شرح زیر عنوان شد:

۱) غیراقتصادی بودن اجرای طرح‌های جنگل‌داری در کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای جنگل‌نشینان

به‌عنوان نمونه، اجرای طرح‌های جنگل‌داری در جنگل‌های تجاری هیرکانی با امکان بهره‌برداری چوب (تولید قابل‌مبادله و سودآور برای جنگل‌نشینان در چرخه نظام بهره‌برداری حاکم) رونق اقتصادی را در پی داشت، درحالی‌که اجرای طرح‌های جنگل‌داری در جنگل‌های حفاظتی و حمایتی در مجموع عبارت بود از ایجاد انواع محدودیت‌ها در مسیر فعالیت‌های جاری تأمین‌کننده معیشت ساکنان مناطق جنگلی اعم از دامداران و کشاورزان، بدون ایجاد معیشت جایگزین و سازگار با پایداری بوم‌سازگان جنگلی.

۲) مدیریت ناکارآمد بر پایه تشکیلات ساختاری مستعد مسئولیت‌گریزی

در ساختار تشکیلاتی سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، تولید مدیریت منابع جنگلی کشور برعهده دفتر فنی جنگل‌داری در حوزه معاونت جنگل قرار داشت. به‌طوری‌که سیاست‌گذاری اداره جنگل‌های کشور در پنج منطقه بوم‌شناختی هیرکانی، ارسبارانی، زاگرسی، ایرانی-تورانی و خلیج و عمانی در قالب تهیه و اجرای طرح‌های جنگل‌داری توسط دفتر واحد مستقر در ستاد چالوس اعمال می‌شد. هیچ‌یک از مناطق جنگلی خارج از شمال، ردیف اعتباری خاص خود را نداشتند. به‌طوری‌که برای اداره کل جنگل‌های کشور اعم از شمال و خارج از شمال، یک ردیف اعتباری ملی به‌منظور اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های مدیریت جنگل در چهارچوب تهیه و اجرای طرح‌های جنگل‌داری اختصاص

طرح مدیریت منابع طبیعی اعم از منابع جنگلی یا مرتعی پذیرفتند. چنانچه پیشنهاد شد که طوبی به‌عنوان پروژه‌ای از پروژه‌های طرح مدیریتی در نظر گرفته شود و برای مناطق مستعد و آن هم نه در ترکیب با گونه‌های باغی و جنگلی، بلکه به‌صورت باغ‌های موزاییکی در زمره پروژه‌های توانمندسازی جوامع جنگل‌نشین و مرتع‌نشین برنامه‌ریزی شود. به‌نحوی که اجرای این پروژه در ارتباط مستقیم با مدیریت عرصه مورد طراحی جنگلی یا مرتعی باشد. به‌رغم حمایت معاون وقت امور جنگل، آیین‌نامه تهیه‌شده حتی فرصت آرسیو و بایگانی نیافت. بلکه طرح طوبی با شکلی که می‌دانیم با حمایت ریاست محترم وقت سازمان جنگل‌ها و مراتع به‌عنوان یکی از سه طرح محوری سازمان اجرا شد و در ادامه، مبنای ارزیابی اداره کل‌های منابع طبیعی قرار گرفت. نمونه این نوع اقدام‌ها در سال‌های بعد شدت گرفت. طرح کاشت گیاهان دارویی از جمله این اقدام‌ها است. در بازه پیش از سال ۱۳۷۵ تهیه طرح مستقل بهره‌برداری از محصولات ثانویه جنگلی و مرتعی مانند طرح بهره‌برداری سقز از درختان بنه مورد انتقاد بود. در ادامه، در امر واگرایی، پا بسیار فراتر گذاشته شد. به‌طوری‌که طرح نامعقول بهره‌برداری از محصولات فرعی نیز شقه‌شقه شد و از دل آن، طرح کاشت و بهره‌برداری گیاهان دارویی زاییده شد.

از آنجایی‌که در این بخش، تأکید بر اقدام‌های نامناسب گذشته است که به بازنگری اساسی و آسیب‌شناسی طرح‌ها و برنامه‌های گذشته منجر شد، به اصل موضوع بازمی‌گردیم. در سال‌های منتهی به سال ۱۳۷۵ واگرایی و عدم همکاری و تعامل بین واحدها و نهادهای مربوطه به اوج خود رسید. چنانچه گفته شد، دفتر فنی جنگل‌داری، فعالیت‌های خود در جنگل‌های فراهیرکانی را متوقف کرده بود. دفتر جنگل‌کاری و پارک‌ها به‌رغم حضور فعال، حیطة فعالیت خود را از مناطق جنگلی خارج کرده بود. به‌عبارتی، این دفتر، عملیات احیایی جنگل‌های مخروبه را متوقف کرد و در عمل از جنگل‌کاری به درخت‌کاری روی آورد. دفتر بهره‌برداری نیز به‌دلیل استقبال بهره‌برداران حرفه‌ای، مستقل از مدیریت جنگل، تهیه و اجرای طرح‌های بهره‌برداری به‌ویژه طرح بهره‌برداری سقز از درختان

از محصولات فرعی جنگلی و به‌طور کلی هر نوع فعالیت مرتبط با جنگل، شایسته است بر مبنای چهارچوب طرح جنگل‌داری و یا همان مدیریت جنگل طراحی و توسط بخش یا دفتر مربوطه اجرایی شود. (۳) واگرایی، عدم همکاری و تعامل دست‌اندرکاران مدیریت بوم‌سازگان جنگلی

اندیشمندان حوزه منابع طبیعی درمورد ماهیت فرابخشی منابع جنگلی و یا به‌عبارت صحیح‌تر، بوم‌سازگان جنگلی و پرهیز از نگرش بخشی به مدیریت آن اتفاق نظر دارند، اما این امر در عمل، کمینه این‌که تا سال ۱۳۷۵ هیچ‌گاه مورد توجه و اقدام سازمان متولی منابع طبیعی قرار نگرفت. چه‌بسا در بازه زمانی موردنظر، طرح‌های جنگل‌داری، جنگل‌کاری و بهره‌برداری از محصولات ثانویه در یک حوزه واحد، بدون هیچ‌گونه همکاری و تعامل و مستقل از یکدیگر تهیه شده باشند. حتی تهیه هم‌زمان این طرح‌ها نیز دور از انتظار نبود. نه‌تنها هیچ‌نوع همکاری و تعامل بین فعالیت‌های جاری در یک حوضه آبخیز واحد وجود نداشت، بلکه اقدام‌های با ماهیت پروژه‌ای نیز تحت عنوان طرح مطرح، تهیه و اجرا می‌شدند. بدیهی است که آن‌ها، موفقیتی قابل‌ملاحظه را نیز در اجرا نداشتند. موضوعی همانند طوبی، اگرچه از نیمه دوم دهه هفتاد مورد توجه ویژه واقع شد و با عنوان طرح طوبی، بخش وسیعی از منابع طبیعی را تخریب کرد، از جمله بارزترین پروژه‌های مورد ادعا است. پیشنهاد این موضوع در میانه دهه هفتاد با مخالفت وسیع کارشناسان منابع طبیعی مواجه شد، اما با حمایت بی‌دریغ مسئولان بلندپایه و حتی حمایت مشاوره‌ای برخی از استادان دانشگاه اجرایی شد. در هر صورت با پیشنهاد این موضوع، تهیه آیین‌نامه اجرایی آن برعهده حوزه معاونت جنگل قرار داده شد. این معاونت برای تهیه آیین‌نامه اجرایی، کمیته‌ای فنی را تشکیل داد. نگارنده در کنار کارشناسان مجرب دفترهای ستادی حوزه مذکور، ضمن مخالفت شدید با اجرای مستقل این پیشنهاد تحت عنوان طرح طوبی، اقدام پیشنهادی را تحت عنوان پروژه‌ای در راستای توانمندسازی جوامع محلی در قالب طرح مدیریتی منابع اعم از طرح‌های مدیریت منابع جنگلی و یا به‌عبارت صحیح‌تر،

بنه را در گستره‌ای وسیع‌تر از بهره‌برداری‌های سنتی شدت داد.

۴) طراحی بر مبنای الگوی طرح‌های جنگل‌داری هیرکانی از طرح‌های زغال‌گیری که در زمره نخستین طرح‌های جنگل‌داری جنگل‌های خشک و نیمه‌خشک هستند، تا طرح‌های قرق و احیا و حتی طرح‌های بهره‌برداری سقز از درختان جنگلی، عملیات اساسی آن‌ها (پارسل‌بندی، آماربرداری و تشریح پارسل) و نیز تقسیمات ارضی طرح‌ها با بهره‌گیری از الگوی طرح‌های جنگل‌داری معتدله مرطوب در نیم‌رخ شمالی البرز صورت می‌گرفت. اگرچه در هریک از موارد اشاره‌شده، تفاوت اساسی در ابعاد و اندازه مؤلفه‌های مورد مطالعه وجود داشت، اما چهارچوب اصلی طرح همان چهارچوب طرح‌های هیرکانی در نظر گرفته می‌شد. در جنگل‌های فراهیرکانی، سطح پارسل‌ها وسیع‌تر بود و آماربرداری با شدت کمتر و در نتیجه، با تعداد کمتری قطعه‌نمونه انجام می‌شد، اما روش به‌کاررفته همان روش اعمالی در جنگل‌های هیرکانی بود. درجه اهمیت آن نیز کمتر از اهمیت جنگل‌های هیرکانی نبود. با این تفاوت که داده‌های آماری جنگل‌های هیرکانی، نقش مهمی را در امر برنامه‌ریزی داشتند، اما این داده‌ها در طرح‌های فراهیرکانی، نقش قابل‌ملاحظه‌ای را در برنامه‌ریزی آینده ایفا نمی‌کردند. بزرگ‌ترین کاربرد عملی آن‌ها، ارزیابی دوره‌ای و وضعیت کمی توده‌های جنگلی بود. از الزامات تهیه طرح در امر تقسیمات ارضی نیز بخش‌بندی، سری‌بندی و پارسل‌بندی با ابعاد بزرگ‌تر بود.

جنگل‌های فراهیرکانی در دسته جنگل‌های خشک و نیمه‌خشک بوده‌اند، بنابراین فاقد قابلیت بهره‌برداری چوب هستند و تحت عنوان جنگل‌های حفاظتی و حمایتی محسوب می‌شوند. حتی نظام‌های بهره‌برداری از جنگل نیز در دو منطقه عمومی هیرکانی و فراهیرکانی متفاوت هستند. بی‌تردید برای مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی ضمن بهره‌گیری از الگوی طراحی جنگل‌های معتدله مرطوب باید الگو و روش متناسب

با تفاوت‌های اشاره‌شده به‌کار گرفته شود. به‌عنوان نمونه، محدوده‌های عرفی، پس از ملی شدن جنگل‌ها، فاقد جایگاه قانونی بوده‌اند. در واقع، قانون این نوع مالکیت را به رسمیت نشناخته است. با این وجود، این محدوده‌های عرفی در جنگل‌های فراهیرکانی همچنان شناخته‌شده هستند. چنانچه رعایت ضابطه‌های عرفی بهره‌برداری با سابقه سنتی دیرین بین ساکنان محلی، الزامی و قابل احترام است. ذی‌نفعان این محدوده‌ها دارای حقوق ارتفاقی در محدوده و حتی عدم تجاوز به محدوده‌های هم‌جوار نیز هستند. بدیهی است که هر برنامه‌ای در محدوده عرفی واحد می‌تواند شانس اجرایی بیشتری نسبت به برنامه‌ای واحد در دو محدوده عرفی هم‌جوار داشته باشد، بنابراین محدوده‌های عرفی می‌توانند نقش مؤثری را در قابلیت اجرایی برنامه‌ها و یا پروژه‌های پیشنهادی داشته باشند. شایسته است که این محدوده‌ها در تقسیمات ارضی طرح‌های جنگل‌داری در نظر گرفته شوند. همچنین، آماربرداری با شدت حدود دو درصد که داده‌های آن، نقش تعیین‌کننده‌ای در برنامه‌ریزی ندارند، نیازمند بازنگری هستند. چه بسا مؤلفه دیگری می‌توانست در ارزیابی دوره‌ای توده‌های جنگلی، نقش مؤثرتری ایفا کند. با توجه به عملکرد اصلی و مورد انتظار از جنگل‌های فراهیرکانی و به‌ویژه جنگل‌های زاگرس (حفاظت از آب و خاک و ایجاد ارزش‌های محیط‌زیستی)، نقش انبوهی پوشش تاجی توده‌های جنگلی تأثیرگذارتر از تراکم در واحد سطح است.

هراندازه که آماربرداری و تعیین وضعیت کمی توده‌های جنگلی در طرح‌های جنگل‌داری کم‌اهمیت‌تر باشد (تأکید می‌شود نه بی‌اهمیت، بلکه نسبت به مؤلفه‌های کیفی دیگر، اهمیت کمتری دارد)، تشریح پارسل که بررسی کیفی توده‌های جنگلی پارسل است، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد. به‌عبارت دیگر، اهمیت و ارزشی که آماربرداری در جنگل‌های معتدله مرطوب هیرکانی کشور دارد، تشریح پارسل در جنگل‌های خشک و نیمه‌خشک نه تنها همان اهمیت، بلکه بیشتر از آن را دارد.

رنگ‌آمیزی درختان واقع در مرز پارسل‌ها برای شناسایی میدانی آن‌ها که با صرف هزینه و نیروی قابل‌ملاحظه‌ای همراه

محدوده طرح. در این بخش، تحلیل جوامع روستایی در حد مشخص کردن هرم سنی جمعیت، سطح سواد، رسومات و آیین‌های سنتی و جاری انجام می‌شد، اما در برنامه‌ریزی برای مدیریت آینده منابع مورد مطالعه، اثری از داده‌های گردآوری شده مشاهده نمی‌شد. باید اذعان داشت که مطالعه‌های دو بخش اجتماعی و اقتصادی و نیز مطالعه‌های علوم پایه به‌ویژه مطالعه‌های مرتبط با خاک، به‌طور مستقل از بخش جنگل انجام می‌شد و نتایج جمع‌بندی شده آن‌ها، ضمیمه بخش جنگل طرح می‌شد. چه‌بسا مطالعه‌های این دو بخش پس از برنامه‌ریزی و تدوین کتابچه طرح جنگل‌داری، ضمیمه کتابچه شده باشند. تدوین طرح‌های بدون مطالعه‌های اجتماعی و اقتصادی و خاک، بدون بررسی عودت داده می‌شدند و تصویب نمی‌شدند، اما طرح تدوینی برخوردار از مطالعه‌های اجتماعی و اقتصادی و علوم پایه بدون اینکه نقش عملی این داده‌ها در برنامه‌ریزی و پروژه‌های پیشنهادی مشخص شده باشد، مورد تصویب برای اجرا قرار می‌گرفت. در چند سال منتهی به ۱۳۷۵ تأکید فراوان بر نقش مشارکت مردمی در تهیه و اجرای طرح‌ها می‌شد، اما در عمل همان‌طور که بیان شد، بزرگ‌ترین نقش تعیین‌شده برای جوامع محلی و ذی‌نفعان عرفی محدود‌های طرح، به‌کارگیری نیروی کارگری از بین جوامع محلی برای اجرای پروژه‌های پیش‌بینی‌شده طراح طرح بود.

موارد اشاره‌شده به اعتقاد کمیته بررسی وضعیت موجود و ریشه‌یابی علت(های) عدم توفیق اجرای طرح‌های بخش جنگل و به‌ویژه طرح‌های جنگل‌داری، از مهم‌ترین دلایل محسوب می‌شدند. در راستای رفع این کاستی‌ها و برون‌رفت از چالش مذکور، طرح یا نقشه راهی با عنوان «تهیه و اجرای طرح‌های جامع مدیریت منابع طبیعی» پیشنهاد شد.

#### طرح مدیریت منابع جنگلی

پیش از تشریح طرح‌های مدیریت منابع طبیعی، گفتنی است که در نخستین جلسه منعقد شده برای تشریح نقشه راه تعیین‌شده، با نام طرح مخالفت شد. علت مخالفت این بود که در نام طرح به‌عنوان برجسته‌ترین آدرس شناسنامه طرح یا

است، در جنگل‌های انبوه و مرطوب شمال، امری ضروری است، اما در جنگل‌های به‌طور عموم تنک تا نیمه‌انبوه خارج از شمال با پارسل‌های وسیع و محدودشده به عوارض برجسته، نیاز مبرمی به رنگ‌آمیزی و شماره‌گذاری درختان پیرامون پارسل نیست. با توجه به تجربه حضور در حداقل صد هزار هکتار از طرح‌های جنگل‌داری فراهیرکانی چه‌بسا در مسیرهای طولانی، درختی در مرز پارسل وجود نداشته باشد و به‌اجبار، شماره پارسل بر روی سنگی ثابت درج شده است). با آشنایی اندکی به امر نقشه‌خوانی، نقشه پارسل‌بندی و شماره‌گذاری شده، راهنمای ساده‌ای برای شناسایی هر پارسل در طبیعت است.

در هر صورت، مطالب ذکرشده و موارد دیگر ایجاب می‌کرد که جنگل‌های فراهیرکانی، شرح خدمات و روش متناسب با وضعیت موجود جنگل‌های خود را برای طراحی و برنامه‌ریزی داشته باشند. متأسفانه، این امر تا سه دهه پس از شروع تهیه طرح در این جنگل‌ها مورد توجه قرار نگرفت.

۵) طراحی و اجرای صد درصد فعالیت‌ها به‌صورت دولتی و عدم مشارکت مردمی

در طراحی طرح‌های جنگل‌داری به‌ویژه از زمان پیوستن بخش اجتماعی و اقتصادی به مطالعه‌های طرح‌های جنگل‌داری در چهارچوب مطالعه‌های همین بخش، اطلاعات مرتبط با جمعیت انسانی و دامی و نیز فعالیت‌های بخش کشاورزی از طریق پرسش‌گری با مراجعه مستقیم به محدوده طرح و تکمیل پرسش‌نامه‌های تنظیمی گردآوری می‌شد، اما نه در امر مطالعه و نه در تنظیم و تکمیل پرسش‌نامه‌ها به‌صورت نهادینه از نمایندگان مردمی استفاده نمی‌شد. جایگاه ساکنان مناطق جنگلی نیز در پروژه‌های پیشنهادی مشخص نشده بود. چنانچه در اجرای طرح‌ها نیز نقش مردمی فقط در قالب تأمین نیروی کار برای اجرای پروژه‌های پیش‌بینی‌شده توسط طراح طرح در نظر گرفته شده بود. در واقع، کل اطلاعات و داده‌های بخش اجتماعی و اقتصادی عبارت بود از تبیین وضع موجود از فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی

نقش کند. به عنوان نمونه، در مورد بهره‌گیری از پتانسیل آبی برای به فعل درآوردن برنامه پرورش ماهی، استعدادیابی با به‌کارگیری متخصص مربوطه انجام شود. سپس، منابع موجود در عرصه مورد طراحی بررسی و شناسایی شوند و برای تهیه پروژه اجرایی از طریق نهاد متولی (شرکت شیلات) اقدام شود. جامعیت در سطح هیئت دولت نیز در صورت وجود منابع بارز، منبع مورد نظر بررسی و در صورت قابلیت، اجرای آن توصیه شود، بنابراین در طرح پیشنهادی، جامعیت در سطح وزارت متبوع با دو خروجی (در سطح سازمان متبوع، پروژه اجرایی و در سطح وزارتخانه متبوع، برنامه‌ها پس از انجام مطالعه‌ها و شناسایی) منظور شد.

شناسایی منابع سبب خدمات تولیدی سازگار با محیط‌زیست، به فعل درآوردن تولیدات متناسب با توان بوم‌شناختی منابع و بهره‌گیری جوامع محلی در راستای توانمندسازی آن‌ها می‌شد. خدمات تولیدی محدوده مورد طراحی، طیف وسیعی از تولیدات از پرورش زنبورعسل تا تولید ماهیان سردابی و گرمابی، از زراعت چوب با گونه‌های تندرشد تا کاشت گیاهان دارویی را دربر می‌گرفت. با این شرط که همه فعالیت‌ها توسط ذی‌نفعان محدوده طراحی انجام شوند و در راستای مدیریت اصولی منابع برنامه‌ریزی شوند. براساس طرح مدیریت منابع جنگلی، همه فعالیت‌های مرتبط با هریک از دفترهای ستادی حوزه معاونت جنگل اعم از جنگلداری، جنگل‌کاری و پارک‌ها و بهره‌برداری باید در قالب طرح واحد مدیریت منابع جنگلی متمرکز شود. همچنین، تهیه طرح‌های مستقل با عنوان جنگلداری، جنگل‌کاری و یا بهره‌برداری از محصولات فرعی، ممنوع باشد. حتی فعالیت‌هایی مانند مرتع‌داری، حفاظت خاک و آبخیزداری باید در طرح مدیریت حوزه آبخیز مورد عمل در نظر شوند و برنامه‌ها و پروژه‌های همه اقدام‌ها در طرح مورد نظر پیگیری شوند. به عبارت دیگر، در هر حوزه آبخیز، همه اقدام‌ها و فعالیت‌های مرتبط با هر دفتر در طرح مدیریت منابع طبیعی حوزه قابل پیگیری باشند.

تقسیمات ارضی طرح‌های مدیریت منابع جنگلی که در عمل همان طرح مدیریت منابع طبیعی بود، با طرح‌های پیشین

نقشه راه مورد ادعا، نام جنگل قید نشده است. توجیه مخالفان نیز این بود که مدعیان برون‌سازمانی، معتقد به کم‌توجهی سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور به منابع جنگلی فراهیرکانی و به‌ویژه جنگل‌های زاگرس هستند، بنابراین باید نام جنگل در عنوان طرح قید شود تا نشانه‌ای بر توجه سازمان متبوع به جنگل باشد، بنابراین نام طرح پیشنهادی به طرح مدیریت منابع جنگلی تغییر یافت. در ابتدای امر، همراه با عنوان طرح مدیریت منابع جنگلی، واژه منابع وابسته به اکوسیستم جنگلی در داخل پراتنزه به صورت «طرح مدیریت منابع جنگلی (منابع وابسته به اکوسیستم جنگلی)» قید می‌شد. از مهم‌ترین اهداف طرح مذکور، حفظ، احیا و توسعه جنگل‌ها و نیز ارتقای معیشت جنگل‌نشینان بودند (Pirzadian, 2009; Mahmoudi & Derakhshan Houreh, 2023). مؤلفه‌های اساسی طرح پیشنهادی عبارت بودند از:

#### ۱) جامع‌نگری مطالعه‌ها

جامع‌نگری می‌تواند در سطوح مختلف اعمال شود. به عنوان نمونه، در سطح وظایف، اختیارات و تشکیلات سازمان جنگل‌ها و مراتع وقت شایسته بود که دامنه جامعیت، مشمول اختیارات و وظایف سازمان متبوع باشد تا برنامه‌ها و پروژه‌های حاصل از مطالعه‌های جامع، قابلیت قانونی اجرایی داشته باشد. جامعیت در سطح وزارتخانه به تبع، دامنه گسترده‌تری می‌یابد. بر همین منوال، جامعیت در حد اختیارات و وظایف دولت، دامنه‌ای وسیع و به نسبت کامل را فراهم می‌کرد، بنابراین جامعیت طرح مورد نظر بدین نحو محدود شد که پروژه‌های مناسب و مستعد در حدود وظایف و اختیارات سازمان متبوع تهیه شود. به طوری که اجرای آن توسط تشکیلات سازمان متبوع با مشکل قانونی و تشکیلاتی مواجه نشود. در سطح وظایف، اختیارات و تشکیلات وزارت متبوع، نتایج مطالعه‌ها می‌تواند به ارائه برنامه منجر شود. در ادامه، تهیه پروژه‌های اجرایی برنامه مربوطه به سازمان یا نهاد متولی واگذار شود. همچنین، سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور در تسهیل‌گری می‌توانست از طریق تعامل، رایزنی و در اختیار قرار دادن برنامه‌های حاصل از مطالعه‌های انجام‌شده، ایفای



واحد عرفی به‌عنوان واحد برنامه‌ریزی معرفی شد. در واحد آب‌شناختی، واحدهای عرفی که برنامه‌ها و پروژه‌های خاص خود را داشتند، به‌طور کامل از واحد طراحی مستقل نبودند. بلکه ارتباط معنی‌دار با واحدهای عرفی دیگر داشتند. به‌عنوان نمونه، برنامه‌ها و پروژه‌های مرتبط با حفاظت خاک و منابع آبی، ارتباط مستقیم با همه واحدها داشتند. عملیات حفاظت خاک نمی‌توانست از اراضی پایین‌دست واحد آب‌شناختی شروع شود، بلکه باید از اراضی بالادست شروع می‌شد و در ارتباط سامانمند با اراضی واحد دیگر به خروجی واحد آب‌شناختی ختم می‌شد. همچنین، اقدام درخصوص منابع آبی و کنترل و ذخیره آب، برقراری این ارتباط سامانمند و رعایت زمانی توالی اجرای پروژه‌ها به‌عهده سرپرست تهیه طرح بود. در واحد مطالعاتی محدود به واحدهای آب‌شناختی، کاربری‌های مرتعی که به‌طور عموم در اراضی بالادست جایی داشتند و اراضی کشاورزی و آبی که به‌طور عموم در میان‌دست و پایین‌دست واحد قرار می‌گرفتند، نمی‌توانستند از برنامه‌ریزی خارج شوند. این موارد در طرح‌های پیشین از دایره وسعت جنگل خارج می‌شدند و فاقد برنامه مشخص بودند.

## ۲) تشکیل تیم‌های مطالعاتی و طراحی

چنانچه پیش از این نیز یادآوری شد، بسیاری از مطالعه‌ها در جنگل‌های فراهیرکانی توسط تیم‌های مطالعاتی اعزامی از دفتر فنی جنگل‌داری انجام گرفت. از آن جمله می‌توان به مطالعه‌های جامع شناسایی جنگل‌های استان کهگیلویه و بویراحمد، طرح جنگل‌داری ارس لاین هزارمسجد در استان خراسان رضوی، طرح‌های جنگل‌داری چیگو، منج، بیدله و سردشت در استان چهارمحال و بختیاری، مطالعه‌های نیمه‌تفصیلی حوضه‌های آبخیز دریاچه بختگان و رودخانه زهره در استان فارس اشاره کرد. به‌طوری‌که اغلب طرح‌های جنگل‌داری و مطالعاتی جنگل تا سال ۱۳۷۵ توسط تیم‌های کارشناسی اعزامی از دفتر فنی جنگل‌داری و حتی همراه با اعزام وسایل نقلیه و تجهیزات انجام شدند. به‌دنبال دستور ریاست وقت سازمان جنگل‌ها و مراتع در

که الگویی از طرح‌های جنگل‌داری هیرکانی بود، متفاوت و به‌شرح زیر پیشنهاد شده بود:

واحد طراحی عبارت بود از واحد آب‌شناختی مستقل با خروجی مشخص که می‌توانست شامل شبکه آبراهه‌ای درجه‌های دو به بالا باشد. به‌نحوی‌که مساحتی حدود ده هزار هکتار را شامل شود. بدیهی است مساحت دقیق که تابع واحد آب‌شناختی مربوطه است، قابل پیش‌بینی نبود، اما با توجه به اینکه طرح در مرحله اجرایی تهیه می‌شد و سطح مورد عمل باید با توانمندی اجرایی سالانه اعم از اعتباری و نیروی کاری متناسب می‌بود، سطح میانگین ده هزار هکتاری پیش‌بینی شده بود. مساحت کمتر یا بیشتر از سطح پیش‌بینی‌شده، دور از انتظار نبود. در عمل نیز سطوحی بسیار بیشتر از سطح یادشده مطالعه و طراحی شدند. تأکید بر واحد آب‌شناختی به‌عنوان واحد مطالعاتی و طراحی، صرف‌نظر از مزایای آن، دور آب‌شناختی آب و مدیریت آن که به‌عنوان مهم‌ترین پتانسیل تولیدی در مناطق خشک و نیمه‌خشک محسوب می‌شود، مدنظر بود. در طرح‌های پیشین، فارغ از محدودیت آب‌شناختی، دامنه گسترش جنگل، عامل اصلی تعیین حدود واحد طراحی محسوب می‌شد که با عنوان سری جنگل‌داری شناخته می‌شد. چه بسا کاربری مرتعی موجود در حوزه انتخابی سری جنگل‌داری از محدوده طراحی و برنامه‌ریزی حذف می‌شد. در هر صورت، واحد آب‌شناختی به‌عنوان واحد طراحی و یا واحد مطالعاتی پیش‌بینی شد.

مهم‌ترین تغییر اعمالی در تقسیمات ارضی طرح‌های مدیریت منابع جنگلی، اعمال محدوده عرفی در تقسیمات ارضی طرح بود. محدوده‌های عرفی که پیش‌تر توضیح داده شد، به‌عنوان واحدهای برنامه‌ریزی در طرح مذکور معرفی شدند. واحدهای عرفی به‌طور معمول از سطوحی بیشتر از هزار هکتار برخوردار هستند و به واحدهای کوچک‌تر یعنی پارسل یا قطعه به‌عنوان کوچک‌ترین واحد برنامه‌ریزی تقسیم شدند. سرانجام اینکه واحدهای آب‌شناختی به واحدهای عرفی به‌عنوان واحدهای برنامه‌ریزی طول دوره اجرایی طرح و پارسل‌ها که کوچک‌ترین واحد برنامه‌ریزی یا پروژه‌های سالانه بودند، تقسیم شدند. در این تقسیمات برای نخستین بار،

۳) تهیه شرح خدمات طرح متناسب با ویژگی‌های جنگل‌های مورد عمل

ضمن ایجاد تغییر در تقسیمات ارضی طرح و افزودن واحد عرفی به‌عنوان واحد برنامه‌ریزی، رنگ‌آمیزی و شماره‌گذاری درختان پیرامون واحدهایی مانند پارسل و واحد عرفی حذف شد. زیرا حدود تقسیمات مانند پارسل بر روی نقشه مقیاس مطالعات مشخص شد و واحدها نیز بر روی نقشه شماره‌گذاری شدند. در نتیجه، تشخیص و شناسایی پارسل‌ها که با استفاده از عوارض توپوگرافی برجسته تعیین شده بودند، با آشنایی ابتدایی با نقشه‌خوانی به‌سهولت میسر بود. نکته حائز اهمیت اینکه در بسیاری از پارسل‌ها گاه تا مسافت زیادی از مرز پارسل، درختی برای رنگ‌آمیزی و شماره‌گذاری یافت نمی‌شد، بنابراین به‌ناچار علامت و شماره بر روی سنگی ثابت درج می‌شد. حتی گاهی سنگ مورد نظر هم در دسترس نبود. پیش‌تر به پیروی از طرح‌های جنگل‌داری هیرکانی، هزینه و نیروی کار قابل ملاحظه‌ای باید صرف پارسل‌بندی در طبیعت می‌شد. در عمل نیز رنگ به‌کاررفته در معرض اقلیم خشن مناطق خشک و نیمه‌خشک، دوام چندانی نداشت و پیش از پایان دوره اجرایی طرح به‌طور کامل محو می‌شد. حتی این رنگ‌ها در صورت پایداری نیز نقش یگانه شناسایی حدود و شماره پارسل را نداشت. این امر با استفاده از نقشه پارسل‌بندی شده به‌سهولت میسر بود، بنابراین با حذف این مورد، صرفه‌جویی قابل ملاحظه‌ای در هزینه و نیروی کاری حاصل شد.

در طرح‌های جنگل‌داری جنگل‌های فراهیرکانی به پیروی از عملیات اساسی تهیه طرح جنگل‌های هیرکانی باید آماربرداری با روش تصادفی-منظم و با شدت حدود دو درصد انجام می‌گرفت. تنها استفاده عملی از نتایج این داده‌ها می‌توانست ارزیابی دوره‌ای عملکرد طرح‌ها باشد. در جنگل‌های تجاری هیرکانی، داده‌های آماربرداری به‌ویژه برای تعیین حجم مجاز برداشت چوب از جنگل، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای داشتند، اما در جنگل‌های حفاظتی و حمایتی فراهیرکانی، تعیین دقیق حجم چوب سرپا چه نقشی را در ارائه برنامه‌های مدیریتی می‌توانست ایفا کند؟ حتی در مورد

سال ۱۳۷۵ مبنی بر تمرکز فعالیت‌های حوزه معاونت جنگل بر جنگل‌های فراهیرکانی و درخواست‌های کمیته مسئول پیگیری امر و با همکاری مدیرکل‌های منابع طبیعی استان‌ها، تیم‌های مطالعاتی برای همه استان‌های مشمول تهیه طرح با ترکیب کارشناسان زبده و مجرب استانی در رشته‌های مختلف تشکیل شد و از واگذاری وظایف دیگر به افراد تیم مطالعاتی اجتناب شد. اگرچه این کار در ابتدا با مخالفت برخی از مدیرکل‌ها به دلیل کمبود نیروی کارشناسی مواجه شد، اما با دستور صریح ریاست سازمان برای نخستین بار در هر اداره کل، تیم کارشناسی طراحی ایجاد شد. بدیهی است که کارشناسان مجرب حوزه معاونت جنگل مانند زمین‌شناس، خاک‌شناس و جنگل‌شناس به‌عنوان کارشناسان معین و ناظر عالی در کنار تیم مطالعاتی حضور داشتند.

گفتنی است که برای آموزش تکمیلی کارشناسان استانی دست‌اندرکار تهیه طرح‌های مدیریت منابع جنگلی و نیز تبیین اصول اساسی تهیه این طرح‌ها در بهار ۱۳۷۶ کلاس آموزشی در استان فارس تشکیل شد. در این کلاس با حضور سه استاد برجسته دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، درس‌های زیر به‌صورت تئوری و عملی ارائه شدند:

زنده‌یاد استاد دکتر کریم جوانشیر با موضوع بوم‌شناسی جنگل‌های زاگرس

زنده‌یاد دکتر محمدرضا مروی مهاجر با موضوع جنگل‌شناسی جنگل‌های زاگرس

استاد دکتر محمود زبیری با موضوع آمار و اندازه‌گیری در جنگل‌های زاگرس

مهندس مصطفی عبدالله‌پور با موضوع مبانی اجتماعی و اقتصادی زاگرس

نگارنده با موضوع تبیین طرح‌های مدیریت منابع جنگلی استقبال بی‌مانند فراگیران به پذیرش دوبرابری ظرفیت پیش‌بینی شده منجر شد.

همه مباحث مطرح‌شده در کلاس ارائه تئوری و عملیات میدانی مربوطه فیلم‌برداری شد و در اختیار علاقه‌مندان مشتاق قرار گرفت.

نسبی داشتند، تشکیل تعاونی‌های متشکل از ذی‌نفع‌های عرفی هر محدوده عرفی در دستور کار قرار گرفت. در تیم مطالعاتی تشکیل شده در هر استان، این وظیفه به‌عهده بخش اجتماعی و اقتصادی تیم مطالعاتی بود. اقدام‌های این بخش با شروع فعالیت‌های میدانی تیم‌ها آغاز شد. به‌موازات فعالیت تیم‌های مطالعاتی بخش‌های دیگر، بخش اجتماعی و اقتصادی نیز بررسی‌های لازم را با کمک و راهنمایی متخصصان تعاونی‌ها انجام داد. در همه طرح‌های مورد عمل برای هر واحد عرفی، تعاونی مربوطه با شناسایی دقیق ذی‌نفع‌های عرفی و با رعایت ضابطه‌های قانونی تشکیل و به‌ثبت رسید. به‌طوری‌که در پایان سال نخست تهیه طرح‌های مدیریت منابع جنگلی، هیچ‌یک از واحدهای عرفی برنامه‌ریزی شده فاقد تعاونی نبودند. یعنی به موازات مطالعه‌های علمی تهیه طرح، تیم مطالعاتی اجتماعی و اقتصادی، امور مربوط به تشکیل تعاونی‌ها را پیگیری کرده بود، بنابراین تدوین نهایی طرح هم‌زمان با بخش‌های فنی و اقتصادی و اجتماعی انجام شد و به‌صورت طرح واحد همراه با توجیه اقتصادی طرح ارائه شد. اقدامی که پیش از آن سابقه نداشت. حتی به جرئت می‌توان اذعان داشت که در طرح‌های جنگل‌داری هیرکانی با سابقه کمینه ۴۰ ساله تهیه و اجرای طرح‌ها، تهیه طرح در هر دو بخش فنی و اجتماعی و اقتصادی در بازه زمانی یک‌ساله کم‌نظیر بود. زیرا همه دست‌اندرکاران تهیه طرح اعم از بخش‌های فنی و اجتماعی و اقتصادی با اعتقاد راسخ به قابلیت اجرایی طرح‌ها، امور مربوط به تهیه طرح‌ها را پیگیری می‌کردند. آن‌ها تفاوت طرح‌های مورد عمل با طرح‌های پیشین را درک کرده بودند.

#### ۵) تصویب طرح‌های تهیه‌شده برای اجرا

برای این امر ضمن هماهنگی با شورای عالی جنگل، مرتع و آبخیزداری، کمیته فنی بررسی و تصویب طرح‌های مدیریت منابع جنگلی در ستاد چالوس تشکیل شد. طرح‌های ارسالی در اسرع وقت بررسی شدند و در صورت وجود ایراد، پس از اصلاح تصویب می‌شدند. گفتنی است که پیش از آن، طرح‌های تهیه و ارسال شده به شورای عالی جنگل چه‌بسا سال‌ها در نوبت بررسی و تصویب باقی می‌ماندند، اما از جمله خواسته

زادآوری جنسی که در صورت وجود، شانس استقرار را ندارد، بررسی کیفی آن در چهارچوب تشریح پارسل می‌تواند پاسخگو باشد؟ در ارتباط با ارزیابی دوره‌ای توده‌های جنگلی، با توجه به اینکه عملکرد اصلی این جنگل‌ها، حفاظت از آب و خاک است، نقش انبوهی تاج توده‌های جنگلی مهم‌تر از تراکم توده است. چراکه با غلبه فرم پرورشی شاخه‌زاد و شاخه‌ودانه‌زاد و تعداد انبوه جست‌های روئیده بر روی یک کنده، تراکم زیاد در واحد سطح به‌الزام نمی‌تواند مؤید نقش مطلوب حفاظتی توده برای بستر رویش باشد، بلکه مقدار انبوهی است که می‌تواند معیاری برای سطح حفاظت محسوب شود. به هر ترتیب، در طرح‌های مدیریت منابع جنگلی، تعداد قطعه‌نمونه‌ها به کمینه کاهش داده شد (بیشینه ۴۰۰ قطعه‌نمونه ۱۰۰۰ متر مربعی برای حوزه‌های بزرگ مطالعاتی در سطح ۲۰ تا ۳۰ هزار هکتار)، اما در عوض، توجهی بسیار بیش‌ازپیش برای تشریح پارسل در نظر گرفته شد. شناسایی حدود تپ‌ها، تفکیک تپ‌ها براساس فرم‌های پرورشی و نیز طبقه‌بندی تپ‌ها براساس مقدار انبوهی (۵-۱، ۱۰-۶، ۲۵-۱۱، ۲۶-۵۰، ۵۱-۷۵ و ۱۰۰-۷۶ درصد)، وضعیت کیفی زادآوری اعم از جنسی و غیرجنسی، پیوستگی یا عدم پیوستگی زادآوری و بسیاری مؤلفه‌های دیگر مورد توجه قرار گرفتند که هرکدام در برنامه‌ریزی آینده توده‌های جنگلی، ایفای نقش می‌کردند.

برای اولین بار، الگوی طراحی جنگل‌های معتدله مرطوب شمال، متناسب با ویژگی‌های بوم‌شناختی جنگل‌های فراهیرکانی و ویژگی‌های دیگر اصلاح و به‌کار گرفته شد. به‌ویژه با حذف رنگ‌آمیزی و کاهش شدت آماربرداری، صرفه‌جویی قابل‌ملاحظه‌ای در هزینه و نیروی کار اعمال شد.

#### ۴) ایجاد تشکل‌های مردمی برای اجرای طرح‌ها

واگذاری اجرای طرح‌ها به بخش مردمی، نیازمند ایجاد تشکیلات مردمی بود. پس از رایزنی‌های به‌عمل آمده و با توجه به سابقه تشکیل تعاونی بهره‌برداری از محصول فرعی گزانگبین در استان چهارمحال و بختیاری (سال ۱۳۶۸) و نیز تعاونی‌های احیا و بهره‌برداری مراتع که در مجموع موفقیت

های ریاست محترم وقت سازمان متبوع از به شورای عالی جنگل، رسیدگی در اسرع وقت به طرح‌های مدیریت منابع جنگلی ارسالی بود.

۶) واگذاری اجرای طرح‌های مصوب به تعاونی‌های مربوطه

طرح‌های تدوین و تصویب‌شده هر واحد عرفی برای اجرا طی مراسمی و اغلب با حضور ریاست وقت سازمان جنگل‌ها و مراتع به نمایندگان واحدهای عرفی واگذار شدند.

۷) نظارت عالی بر اجرای طرح توسط سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور

برای نخستین بار، اجرای طرح‌های جنگل‌داری به بخش مردمی واگذار شد و سازمان متولی مدیریت جنگل‌ها به‌عنوان ناظر بر اجرای بهینه طرح‌ها معرفی شد. در سال ۱۳۷۵ بدون هیچ ردیف اعتباری اختصاص‌یافته، ۱۵۰ هزار هکتار طرح مدیریت منابع جنگلی با مجموع امکانات اداره‌کل‌های منابع طبیعی حوزه رویشی زاگرس در این حوزه توسط کارشناسان استانی و همکاری و نظارت معاونت جنگل تهیه، تدوین و تصویب شد. این طرح‌ها تا پایان سال ۱۳۷۵ برای شروع اجرا از سال ۱۳۷۶ به اداره‌کل‌های مربوطه ابلاغ شدند. این مورد نیز در سابقه فعالیت‌های شورای عالی جنگل در ارتباط با جنگل‌های فراهیرکانی بی‌نظیر است. حصول این امر، جز با پیگیری مستمر دست‌اندرکاران تهیه طرح‌های مدیریت منابع جنگلی میسر نبود.

در سال ۱۳۷۶ ضمن اجرای طرح‌های تهیه‌شده سال گذشته، ادامه تهیه این نوع طرح‌ها در سطح یک میلیون هکتار و در همه مناطق رویشی خارج از شمال در دستور کار قرار گرفت. این‌جانب و اعضای دیگر کمیته پیگیری طرح‌ها، مخالفت خود را با گسترش سطح طرح‌ها به یک میلیون هکتار اعلام کردیم و خواستار زمان لازم برای رفع کاستی‌های طرح مدیریت منابع جنگلی شدیم. با این‌وجود، افزایش سطح عملکرد سالانه، توفیق محسوب می‌شود. چنانچه در سازمان متبوع، کاهش کمیته و افزایش کیفیت، مترادف شکست تلقی شده است. متأسفانه، اعتراض ما، راه به جایی نبرد و برای

همان یک میلیون هکتار تهیه طرح برنامه‌ریزی شد. غافل از اینکه آنچه طومار طرح مدیریت منابع جنگلی را درهم خواهد پیچید، نه سنگ بزرگ است، بلکه طوفانی است که کل کشته را از بین خواهد برد. به هر صورت، اجرای طرح‌های مدیریت منابع جنگلی که از سال ۱۳۷۶ اجرا شد با استقبال وسیع مردمی مواجه شد. کارشناسان برجسته استانی نیز طی مکاتبه‌هایی با حوزه معاونت جنگل، بازخورد مناسب مردمی را با طرح‌های فوق گزارش کردند. نمونه آن، اظهار رضایت کتبی مهندس صدوق، کارشناس مجرب استان فارس درخصوص استقبال مردمی در اجرای طرح مدیریت منابع جنگلی این استان است که علی‌القاعده باید در آرشیو دفتر فنی جنگل‌داری باقی مانده باشد.

در سال ۱۳۷۶ با پیگیری‌های انجام‌شده، برای نخستین بار، ردیف اعتباری خاص برای جنگل‌های فراهیرکانی افتتاح شد. برقراری این ردیف اعتباری نشان‌دهنده واکنش مثبت دولتمردان به اقدام‌های انجام‌شده یک‌ساله سازمانی بود که یک سال پیش از آن، مورد انتقاد شدید دولت قرار گرفته بود. استقبال از تهیه طرح مدیریت منابع جنگلی که ابتدا برای جنگل‌های زاگرس پیشنهاد شد، برخی استان‌های خارج از حوزه رویشی زاگرس را برآن داشت تا با بیان دلایلی مبنی بر ادامه رویش‌های زاگرسی در استان خود (مانند استان بوشهر)، خواستار تهیه و اجرای طرح مذکور شوند. با توجه به رغبت مردمی مبنی بر تهیه طرح و برنامه در محدوده عرفی متعلق به خود و احساس رسمیت‌بخشی به مالکیت عرفی و فقط برای انجام عملیات احیایی در استان فارس، کارشناس علاقه‌مند سرپرست تهیه طرح، فراتر از مالکیت جمعی عرفی، مالکیت‌های خانواری و طایفه‌ای عرفی را نیز شناسایی کرده بود تا برنامه‌هایی را که همکاری بیشتر از مالکیت عرفی جمعی می‌تواند را اجرا کند. صرف‌نظر از درست یا نادرست بودن این اقدام، حضور فعال با افق روشنی که در پیش‌رو دیده می‌شد، نویدی برای جلب هرچه بیشتر مشارکت مردمی بود. مشارکتی که سال‌ها جوامع محلی با بی‌اعتمادی که به سازمان جنگل‌ها و مراتع داشتند، از بین رفته بود، دوباره در حال بازیابی بود. در آغاز تهیه طرح مدیریت منابع جنگلی و در واقع در

در طراحی طرح‌های مدیریتی جنگل‌های فراهیرکانی به وقوع پیوسته بود. در ادامه باید نسبت به رفع نقص‌ها و کاستی‌های این طرح و ارتقای آن اقدام می‌شد. استقبال مردمی نسبت به تهیه و اجرای این طرح‌ها در ادامه می‌توانست نقش مردم را به‌ویژه در تهیه طرح، اخذ نظرات اجرایی آن‌ها و به‌کارگیری پیشنهادات تعدیل‌یافته، پررنگ‌تر کند. شرح خدمات ابتدایی تهیه طرح که در مهلت کوتاه ضرب‌الاجل تعیین شده تهیه شده بود، می‌توانست در ادامه و به تدریج با تجربه‌های به‌دست‌آمده از اجرای طرح‌ها تقویت و تکمیل شود.

براساس مجموعه اقدام‌های ذکر شده می‌توان ادعا کرد که سال ۱۳۷۵ نقطه عطفی در روند مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی بوده است. پس از سال‌ها آزمون و خطا که هیچ یک از آزموده‌ها نتوانست افق روشنی برای مدیریت آینده جنگل‌های فراهیرکانی ترسیم کند، طرح مدیریت منابع جنگلی نشان داد که مسیر حرکت را درست تشخیص داده است. در صورت استمرار و حمایت‌های سازمانی، نقص‌ها و کاستی‌های آن که بی‌تردید وجود داشته است، قابل‌رفع و ارتقای کیفیت بود. با کنکاشی اجمالی در عملکرد گذشته و مقایسه آن با دستاورد دوساله این طرح به‌خوبی مشخص می‌شود که چه تلاش‌هایی طی دوسال توسط کارشناسان استانی و ستادی صرف شد. تهیه، تدوین و تصویب حدود ۲۰۰ هزار هکتار طرح طی یک سال بدون اختصاص حتی یک ریال بودجه خاص موضوع و فقط با استفاده از مجموع امکانات اداره‌کل‌های منابع طبیعی، کاری خارق‌العاده بود که فقط با از خودگذشتگی و تلاش بدون چشم‌داشت دست‌یافتنی بود. حتی طرح‌های جنگل‌داری هیرکانی که منظم‌ترین اقدام سازمان در امر تهیه طرح بود، امکان اینکه در طی یک سال، طرح تهیه، تدوین و تصویب برای اجرا شود، نداشتند. اگر چنین طرحی وجود داشته باشد، به‌طور حتم انگشت‌شمار است. به‌ویژه اینکه تصویب طرح‌ها، مسیری طولانی را طی می‌کرد. گاهی پس از گذشت چندین سال از تهیه طرح، امکان تصویب و اجرا پیدا می‌کرد. از تلاش شبانه‌روزی دست‌اندرکاران پیگیری تهیه این طرح‌ها، مثالی بر ادعای زحمات‌های بی‌حد و حصر همکاران در حصول نتایج به‌دست‌آمده ذکر می‌شود. آقای

شروع ارائه گزارش طرح مورد نظر به‌عنوان نقشه راه آینده، اعضای کمیته پیشنهاد کردند که طرح الگویی در یک یا دو استان در دو بخش شمالی و جنوبی زاگرس تهیه شود تا حین تهیه و اجرای طرح، کاستی‌های آن شناسایی و رفع شوند. پس از محک و آزمایش لازم، نسبت به توسعه و اشاعه آن در سطح حوزه رویشی زاگرس اقدام شود، اما متأسفانه با این پیشنهاد موافقت نشد. در سال نخست علاوه بر حوزه رویشی زاگرس، برای استان کرمان در منطقه بوم‌شناختی ایرانی-تورانی نیز به‌دلیل درخواست و آمادگی زیاد، طرح تهیه شد. نکته حائز اهمیت اینکه طرح تهیه‌شده سال ۱۳۷۵ در استان کرمان در سال ۱۳۷۶ با رغبت، اجرا شد و نتایج درخور توجهی را به‌دست آورد. علت اساسی این موفقیت، فرصت بخشی و اعمال قرق دقیق در تیپ بنه-بادامک (*Pistacia atlantica-Prunus scoparia*) بود. طی این طرح، پایه‌های به‌شدت سرچر شده بادامک (*Prunus scoparia* (Spach)) به‌شدت سرچر شده بادامک (*Prunus scoparia* (Spach)) با نام مترادف *Amygdalus scoparia* C.K.Schneid. که هیچ‌گاه فرصت رویش بیشتر از حد معینی از سطح زمین را نداشتند، با فرصت قرق پیش‌آمده و برخورداری از ریشه‌های چندساله و حتی چندده‌ساله، بسیار زیاد رشد کرده بودند. به‌طوری‌که در پایان دوره رشد سالانه با انبوه جست‌های حدود یک متری، سیمای عمومی منطقه را عوض کرده بودند. انگار حاصل یک بذرکاری ۱۰ساله به ثمر رسیده است. نکته حائز اهمیت این امر، رعایت دقیق قرق بدون هیچ حفاظ و حصار بود. بازبایی اعتماد از دست‌رفته در مقایسه با رویش مجدد بادامک و ایجاد توده انبوه آن، بسیار ارزشمندتر بود. این شروع اعتماد، نویدبخش افقی روشن در احیا و بازسازی منابع تخریب‌شده بود که متأسفانه هرگز مورد توجه مدیران کلان سازمان متبوع نبوده است. در استان کرمانشاه و در طرح مدیریت منابع جنگلی پاوه، همه نهال‌های بنه مورد استفاده در جنگل‌کاری پیش‌بینی‌شده توسط بخش مردمی تولید شد. سازمان مذکور نیز نسبت به خرید و کاشت این نهال‌ها توسط تعاونی مربوطه اقدام کرد.

صرف‌نظر از ایراد توسعه وسیع تهیه این نوع طرح و در همه مناطق خارج از شمال، واقعیت این است که تحول اساسی

صورت مسئله بود؛ نه حل آن.

دوم خرداد ۱۳۷۶ و دستاورد آن برای جنگل‌های فراهیرکانی

با انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ و روی کار آمدن دولت اصلاحات، تغییرات اساسی در مدیریت کلان دولتی اعمال و پیرو آن، سازمان جنگل‌ها و مراتع وقت نیز از این تغییر مدیریتی بی‌نصیب نماند. مدیریت جدید سازمان متبوع، طرحی نو برای اداره منابع طبیعی تجدیدشونده کشور داشت. فارغ از ارزیابی کلی عملکرد رئیس محترم سازمان در بازه موردنظر که خارج از صلاحیت نگارنده است، درخصوص جنگل‌های فراهیرکانی که عمر خدمتی خود را صرف این امر کرده‌ام و در چگونگی سیاست‌گذاری‌های این بخش از جنگل‌های کشور حداقل تا سال ۱۳۷۶ به‌عنوان کارشناس متخصص و ذی‌ربط، ایفای نقش کرده‌ام، می‌توانم با قاطعیت اعلام کنم که عملکرد ریاست محترم وقت سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور درخصوص جنگل‌های فراهیرکانی نامناسب و نتایج آن حداقل ایجاد رکود و توقف در مسیر اداره اصولی جنگل‌های مذکور بود. چنانچه پس از گذشت حدود یک دهه، عدم کارایی دو تصمیم اساسی مدیریت مربوطه یعنی تفکیک مدیریت جنگل‌های کشور به دو بخش هیرکانی و فراهیرکانی و واگذاری مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی به معاونت مرتع و آبخیزداری و نیز اجرای طرح موسوم به طوبی آشکار شد. هر دو تصمیم اتخاذشده کان‌لم‌یکن اعلام و اجرای آن توسط سازمان مربوطه خلع شد. امروزه مدیریت جنگل‌های کشور تحت مدیریت واحد معاونت امور جنگل پیگیری می‌شود. اجرای طرح طوبی نیز از سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری خلع و به نهاد دیگری محول شده است.

متأسفانه ریاست جدید سازمان جنگل‌ها و مراتع وقت بدون هیچ‌گونه ارزیابی و آسیب‌شناسی طرح‌های مدیریت منابع جنگلی، تهیه و اجرای این نوع طرح‌ها را متوقف و طرح‌ها و برنامه‌های آزموده و شکست‌خورده پیشین از جمله طرحی با نام نهضت سبز را جایگزین طرح مدیریت منابع جنگلی کرد. پس از توقف تهیه و اجرای طرح‌های مدیریت

مهندس محمود قنادکار سرابی به‌همراه مهندس جمال لطیفی شاهاندشتی از اعضای کمیته بررسی و ارائه نقشه راه مدیریت جنگل‌های زاگرس بودند که بدون اغراق، کل طول هفته را در مأموریت استان‌های مختلف زاگرسی بسر می‌بردند و تنها آخر هفته، فرصت حضور در منزل را داشتند. هر دو عزیز از اعضای کمیته فنی بررسی و تصویب طرح‌ها بودند، اما فرصت حضور در اداره و شرکت در جلسه‌های کمیته فنی را پیدا نمی‌کردند، بنابراین با کمال شرمندگی از آن‌ها درخواست شد که برای بررسی طرح‌ها، کتابچه‌های تدوینی و ارسالی به ستاد چالوس را روز جمعه در منزل بررسی و نقطه‌نظرات اصلاحی را در حاشیه صفحه‌ها عنوان کنند. یعنی آن‌ها هفت روز هفته به کار مشغول بودند. به‌طور حتم که کارشناسان استانی نیز همین میزان تلاش و چه‌بسا بیشتر از آن را مبذول داشتند تا انجام چنین امری مهم که پیش‌تر ذکر شد، میسر شود.

به‌دلیل جلوگیری از طولانی شدن این بخش از شرح جزئیات برنامه‌ریزی طرح‌های مدیریت منابع جنگلی خودداری شد. به‌طور کلی با تجربه‌های ۳۵ ساله پیشین و آسیب‌شناسی برخی تلاش‌های بدون چشم‌داشت همکاران گذشته که سنگ‌بنای مدیریت این جنگل‌ها را گذاشته‌اند، سعی شد درست‌ترین راه انتخاب شود. چنانچه طول دوره اجرایی ۱۰ ساله برای حل مشکلات سری مورد عمل کافی نبود. حتی در برخی طرح‌ها با توجه به شدت مشکلات اجتماعی و اقتصادی لازم بود که طول دوره اجرایی به ۳۰ سال افزایش یابد. یا اینکه برای نجات بخش وسیعی از جنگل‌های به‌شدت در حال تخریب و در روند قهقراپی باید بخشی کوچک‌تر از جنگل‌های مرغوب فدا می‌شد. به‌هرحال، بنابر اظهارنظر اغلب دست‌اندرکاران موضوع پیش‌رو، تهیه و اجرای طرح‌های مدیریت منابع جنگلی برای جایگزینی روند تکاملی به‌جای روند قهقراپی، بسیار امیدبخش بود، اما مشکل فقط با مدیران موافق طرح نبود که توسعه وسیع طرح را در مدت کوتاه مدیریت خود طلب می‌کردند و به‌ناچار موجب افت کیفیت طرح‌ها می‌شدند. این مشکل را می‌توان با تلاش بیشتر از یک سو و قانع کردن مدیران به ارتقای کیفیت طرح‌ها از سوی دیگر حل کرد، اما آنچه در ادامه اتفاق افتاد، پاک کردن

قالب ماده ۳ برای اجرای طرح درخت‌کاری (واگذاری اعیان، نه عرصه) و پیش از زمان ابلاغ طرح طوبی مربوط بود، اما صفحه نخست طرح که با خودکار بر روی آن، طرح ماده ۳ نوشته شده بود، بر روی نام طرح، خط سیاه کشیده و در زیر آن، نام طرح طوبی قید شده بود. یعنی فردی که محدوده مذکور به منظور اجرای طرح در قالب ماده ۳ به ایشان واگذار شده بود، از ابلاغ طرح طوبی و امکان واگذاری قطعی عرصه به جای ماده ۳ مطلع شده بود، اما حتی تهیه طرح جدید مطابق با آیین‌نامه اجرایی طرح طوبی را نادیده گرفته بود. ایشان همان طرح پیشین را حتی بدون تعویض و جایگزینی صفحه نخست طرح که معرف طرح بود، با خط کشیدن بر روی نام پیشین و قید نام طرح طوبی زیر نام پیشین ارائه کرده بود و درخواست واگذاری عرصه را در چهارچوب طرح طوبی داشت. متأسفانه، مسئولان پیگیری طرح طوبی نیز همان طرح مخدوش پیشین را پذیرفته و عرصه را واگذار کرده بودند! عرصه طرح که پیش از ابلاغ طرح طوبی در قالب ماده ۳ برای اجرای طرح درخت‌کاری واگذار شده بود، تجدیدنظر شده بود و در قالب‌بندی که به واگذاری قطعی عرصه منجر می‌شد، به متقاضی واگذار شده بود. نمونه‌هایی شبیه به مورد ذکر شده در استان‌های مختلف مورد ارزیابی مشاهده شد و در گزارش نهایی کمیته ارزیابی قید شد. متأسفانه، حتی از ارائه آن به مرجع دستوردهنده ارزیابی نیز جلوگیری شد و یا در واقع، زمینه ارائه آن مهیا نشد (Fattahi et al., 2003).

اما سخن اصلی در این نوشتار درخصوص ادامه پیگیری طرح‌های مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی است. با توجه به سیاست‌های مدیریت کلان جدید سازمان جنگل‌ها و مراتع وقت که بر سه محور ذکر شده استوار بود، پیگیری تهیه و اجرای طرح‌های مدیریت منابع جنگلی متوقف شد. پیش از دستور توقف تهیه و اجرای طرح‌های مدیریت منابع جنگلی، مدیریت جدید سازمان، تصمیمی را اتخاذ و اجرا کرد. بر مبنای آن، مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی از معاونت جنگل جدا شد و در قالب دفتر جنگل‌های خارج از شمال به معاونت مرتع و آبخیزداری محول شد! تصمیمی که با مخالفت شدید کارشناسان ارشد معین جنگل‌های خارج از شمال مواجه شد.

منابع جنگلی، سه فعالیت عمده با عنوان نهضت سبز، طرح طوبی و اگر اشتباه نکنم توسعه زراعت چوب به عنوان سه طرح محوری سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور مطرح شد و توان سازمان متبوع به منظور اجرای آن‌ها بسیج شد. در نهضت سبز با هدف توسعه فضای سبز در سطح کشور، برنامه‌های آزموده و شکست‌خورده از جمله درخت‌کاری مسیر جاده‌ها و محوطه کارخانه‌های صنعتی اجرا شد. طرح طوبی نیز تبدیل اراضی ملی و منابع طبیعی به باغات را در نظر داشت. حمایت از طرح‌های طوبی به حدی رسید که در بازه مورد نظر، اداره‌کل‌های منابع طبیعی نمونه براساس سطح عملکرد تهیه و اجرای طرح‌های طوبی تعیین می‌شدند. بدین نحو که اداره‌کلی که بیشترین واگذاری اراضی منابع طبیعی و ملی را برای طرح طوبی داشت، به عنوان اداره کل نمونه و برگزیده معرفی می‌شد. در رابطه با ارزیابی عملکرد طرح طوبی، شورای عالی جنگل، مرتع و آبخیزداری، کمیته‌ای را با مسئولیت نگارنده تعیین کرد. مقرر شد که کمیته مذکور با عضویت نمایندگان شورای عالی جنگل، مرتع و آبخیزداری، دفتر جنگل‌کاری و پارک‌ها و دفتر جنگل‌های خارج از شمال با عزیمت به استان‌های مورد عمل و بررسی عملکرد طرح طوبی، گزارشی را تهیه و ارائه کند. نتایج بررسی‌های انجام‌شده، اجازه انتشار و حتی ارائه شفاهی را نیافت. نمونه ای از اجرای طرح طوبی که کمیته ارزیابی با آن مواجه شد، اما گزارش آن، اجازه انتشار نیافت، در اینجا ذکر می‌شود. در استان خراسان رضوی و در حوزه استحفاظی شهرستان قوچان (۳۰ کیلومتری شهر قوچان) نمونه‌ای از زمین‌های واگذار شده برای اجرای طرح طوبی به صورت تصادفی انتخاب و بازدید شد. زمین واگذار شده دارای وسعت ۳۰۰ هکتار و اطراف آن نیز با آجر مرغوب دیوارکشی شده بود. گروه اعزامی از کمیته ارزیابی در ورود به عرصه با نهال‌های بادام شیرین کاشته شده مواجه شدند که سن نهال‌ها به زمان پیش از ابلاغ طرح طوبی بازمی‌گشت. گروه اعزامی، درخواست ارائه مستندات طرح اجرایی را داشتند، اما مجری به ارائه آن مایل نبود. سرانجام با اصرار گروه اعزامی، مستندات طرح مربوطه از ناحیه مجری ارائه شد. طرح مذکور به واگذاری عرصه در

شد و به معاونت امور مرتع و آبخیزداری محول شد، بلکه همه تجربه‌های علمی ۳۶ سال گذشته (تهیه و اجرای طرح‌های جنگلداری در جنگل‌های فراهیرکانی که از آغاز دهه ۱۳۴۰ شمسی با تهیه طرح‌های زغال‌گیری آغاز شده بود) نادیده گرفته شد. در واقع، فعالیت‌ها در ارتباط با جنگل‌های فراهیرکانی از صفر شروع شد. نخستین مدیر دفتر یادشده، با سابقه مدیر کلی دفتر بهره‌برداری و صنایع چوب اگرچه از کارشناسان و مدیران برجسته سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور بود، اما هیچ تجربه کاری در زمینه جنگل‌های فراهیرکانی نداشت. زیرا موضوع بهره‌برداری و صنایع چوب در اساس با جنگل‌های تجاری هیرکانی مرتبط بود و بهره‌برداری از جنگل‌ها و پیرو آن، صنایع چوبی مرتبط با بهره‌برداری‌های مورد اعمال، جایگاهی در جنگل‌های حفاظتی و حمایتی خشک و نیمه‌خشک خارج از نیم‌رخ شمالی البرز در سازمان متولی مدیریت جنگل‌های کشور نداشت. این چنین بود که هیچ‌کدام از کارشناسان معین دفترهای حوزه معاونت جنگل که در ارتباط با جنگل‌های فراهیرکانی هرکدام حداقل پانزده سال تجربه اجرایی و نظارتی در این جنگل‌ها را داشتند، در دفتر تازه‌بنیاد خارج از شمال به‌کار گرفته نشدند. تأکید می‌شود، حتی یک نفر!

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، جنگل‌های فراهیرکانی پس از انقلاب بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفتند. حتی نخستین اقدام مرتبط با جذب نیروهای متخصص به مناطق خارج از شمال اختصاص یافت. سازمان متولی مدیریت جنگل‌های کشور طی حداقل ۱۵ سال فعالیت مداوم درخصوص مدیریت این جنگل‌ها و تجربه آزمون و خطاهای متعدد (مدیریت علمی جنگل‌های هیرکانی طی حدود چهار سال در قالب طرح‌های جنگلداری با شرح خدمات و دستورالعمل اجرایی شرح خدمات واحد با طرح‌های جنگل‌های فراهیرکانی از زغال‌گیری تا بهره‌برداری از محصولات فرعی به‌عنوان ناجی اقتصادی طرح‌ها مقایسه شود) سرانجام با ایجاد تغییرات اساسی در مباحث فنی و تخصصی تهیه طرح‌های جنگلداری (تغییرات پیشنهادی در طرح‌های مدیریت منابع جنگلی از تقسیمات ارضی مانند انتخاب واحدهای عرفی به‌عنوان

گفتنی است که بحث تشکیل دفتری ستادی برای پیگیری امور مربوط به جنگل‌های فراهیرکانی از دهه ۱۳۶۰ مطرح و جلسه‌های متعددی نیز در این رابطه برگزار شد. در این جلسه‌ها درخصوص ضرورت ایجاد دفتر مذکور و محل استقرار آن بحث و تبادل نظر شد. نگارنده به نمایندگی از طرف دفتر فنی جنگلداری در برخی از این جلسه‌ها نیز حضور داشت. برای انتخاب محل استقرار دفتر مذکور نیز از میان محل‌های پیشنهادی، گزینه شهر خرم‌آباد مرکز استان لرستان از بیشترین اقبال عمومی برخوردار بود، اما هرگز حتی موضوع جداسازی دفتر مورد نظر از معاونت امور جنگل مطرح نشد.

به‌هرحال، پس از اتخاذ تصمیم رئیس جدید سازمان جنگل‌ها و مراتع وقت مبنی بر جدایی دفتر جنگل‌های خارج از شمال و پیوستن آن به معاونت مرتع و آبخیزداری، کارشناسان معین دفترهای فنی جنگلداری، جنگل‌کاری و پارک‌ها و بهره‌برداری و حوزه معاونت جنگل در امور جنگل‌های فراهیرکانی طی نشست با رئیس سازمان ضمن تأیید ضرورت تشکیل دفتری مستقل برای پیگیری امور جنگل‌های فراهیرکانی، پیوستن دفتر مذکور به معاونت مرتع و آبخیزداری را غیراصولی و غیرعلمی اعلام کردند و درخواست تجدیدنظر در این خصوص داشتند، اما رئیس سازمان با این توجیه که جنگل‌های فراهیرکانی محل تعلیف دام بوده‌اند و شایسته است که تحت مدیریت معاونت مرتع و آبخیزداری اداره شوند! بر اجرایی کردن تصمیم خویش اصرار کرد.

با توجیه عنوان‌شده، دفتر جنگل‌های خارج از شمال تشکیل شد و تحت مدیریت معاونت مرتع و آبخیزداری قرار گرفت. هیچ‌کدام از کارشناسان مجرب دفتر جنگل‌های خارج از شمال با سال‌ها تجربه کاری (حداقل ۲۰ نفر با ۳۰۰ نفر سال تجربه کاری در جنگل‌های فراهیرکانی) در دفتر تازه‌تأسیس به‌کار گرفته نشدند. در واقع، دفتر مورد نظر بدون کمترین اعتنا به تجربه‌های و آموزه‌های سازمان متولی مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی، فعالیت خود را از نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ آغاز کرد. با تشکیل دفتر مربوطه نه‌تنها مدیریت بر ۸۵ درصد از جنگل‌های کشور از معاونت امور جنگل سلب



تخصصی سازمان بر مبنای پیشنهادات کمیته‌ها پیگیری شود، اما در ادامه، کمیته اینکده در بخش جنگل‌های فراهیرکانی که مسئولیت آن با نگارنده بود، طرح‌ها و برنامه‌هایی اجرا شد که نه تنها در راستای پیشنهادات مطرح شده توسط کمیته یادشده نبود، بلکه به نظر می‌رسد که پیشنهادات کمیته‌های فنی به‌عنوان سندی برای آنچه نباید انجام بگیرد، استفاده شد.

دفتر جنگل‌های خارج از شمال تحت مدیریت معاونت مرتع و آبخیزداری، ضمن استقرار در محل ستاد تهران و با تکمیل کارکنان فنی و خدماتی، فعالیت خود در زمینه مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی را شروع کرد. طرح‌های مدیریت منابع جنگلی از زمان مدیریت پیشین برای بخش‌هایی از سراسر این جنگل‌ها شامل زاگرس، ارسبارانی، ایرانی- تورانی و خلیج فارس و عمانی تهیه شده بود، اما ادامه تهیه این طرح‌ها متوقف شد. چنانچه پیش از این نیز گفته شد، طرح‌هایی مانند نهضت سبز و طوبی به‌عنوان طرح‌های محوری سازمان متبوع، مورد حمایت همه‌جانبه قرار گرفت. بدیهی است که طرح نویای مدیریت منابع جنگلی به‌رغم توفیق چشمگیر و به‌ویژه رغبت زیاد جوامع جنگل‌نشین در اجرای این طرح، کاستی‌هایی داشت که مورد تأیید و تأکید ارائه‌دهندگان این طرح نیز بود. ارائه‌دهندگان طرح مدیریت منابع جنگلی همواره به‌منظور رفع کاستی‌ها و تکمیل کمبودها در مدت کوتاه فعالیت طرح تلاش کردند، اما متأسفانه مدیریت جدید بدون انجام هیچ‌گونه بررسی و مطالعه‌ای که به آسیب‌شناسی تهیه و اجرای این گونه طرح‌ها بپردازد، تهیه آن را متوقف کرد.

با توفیق نسبی و دستاوردهای قابل توجه طرح‌های موسوم به صیانت از جنگل‌های هیرکانی که با اختصاص اعتبارات قابل ملاحظه و همکاری مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور به‌ویژه در زمینه توسعه جنگل در ارتفاعات فوقانی نیم رخ شمالی البرز همراه بود، مدیریت دفتر جنگل‌های خارج از شمال نیز پس از توقف تهیه طرح‌های مدیریت منابع جنگلی، طرح صیانت زاگرس را مطرح کرد. طرح صیانت از جنگل‌های هیرکانی با مشارکت کارشناسان مجرب، ضمن تعامل و همکاری با مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور و سازمان حفاظت محیط‌زیست و طی زمانی مناسب تهیه شده بود. پس

واحدهای برنامه‌ریزی، انتخاب واحدهای آب‌شناختی به‌عنوان واحدهای مطالعاتی، ارائه شرح خدمات متناسب با ویژگی‌های بوم‌شناختی عرصه‌های مورد طراحی تا اجرای طرح‌ها توسط ساکنان مناطق جنگلی در قالب تشکل‌های قانونی و نظارت سازمان متولی مدیریت منابع جنگلی بر اجرای بهینه طرح‌ها) به نسخه‌ای برای درمان جنگل‌های مواجه با سیر قهقراپی فراهیرکانی دست یافت که هم مورد رغبت جنگل‌نشینان واقع شده بود و هم در مسیر مدیریت پایدار منابع جنگلی قرار داشت. اگر آرشید دفتر فنی جنگل‌داری همچنان قابل‌دست‌یابی و پیگیری باشد، خشنودی اداره‌کل‌های منابع طبیعی در استان‌های مختلف حوضه رویشی زاگرس مبنی بر اظهار رضایت مردمی درخصوص تهیه و اجرای طرح‌های مدیریت منابع جنگلی (از جمله نظر اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان فارس - گزارش مهندس صدوق رئیس اداره جنگل‌داری و جنگل‌کاری وقت استان فارس) می‌تواند دلیلی بر درستی ادعای عنوان‌شده باشد.

بخش مربوطه را اعلام کند. در واقع، در چهارچوب این اقدام شایسته باید کمیته مربوطه، برنامه‌ها و پروژه‌های اجراشده پیشین را بررسی می‌کرد، آسیب‌شناسی لازم را در ارتباط با برنامه‌ها و پروژه‌های ناموفق در نظر می‌گرفت، نقاط ضعف و قوت برنامه‌ها را شناسایی می‌کرد و درنهایت، برنامه‌ها و پروژه‌های آینده بخش را تدوین می‌کرد. به‌عبارت دیگر، نقشه راه آینده هر بخش و سرانجام، نقشه راه مدیریت آینده سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور تدوین می‌شد. این نقشه‌راه باید پس از تصویب در جلسه گروهی همه‌گروه‌ها و توسط مسئول کمیته‌های تخصصی که برعهده آقای مهندس فتوکیان بود، به ریاست سازمان ارائه می‌شد. نگارنده در کمیته جنگل و مسئولیت جنگل‌های خارج از شمال عضویت داشتم و به‌همراه اعضای دیگر کمیته طی بازه زمانی تعیین‌شده، برنامه و پروژه‌های فنی و تخصصی را تاجای ممکن به‌صورت جامع تهیه و تدوین کردیم. حتی اولویت‌بندی برنامه‌ها و پروژه‌ها نیز تعیین شد و سند تنظیم‌شده در اختیار مسئول کمیته قرار گرفت. در جلسه نهایی، برنامه‌های هر کمیته ارائه شد. ضمن تأیید، انتظار بر این بود که برنامه‌های فنی و

نابودی جنگل‌های کم‌توان‌تر نمی‌شود؟! تجمیع آبادی‌های کم جمعیت که حتی یک نمونه اجرایی در جنگل‌های هیرکانی ندارد، در جنگل‌های زاگرس با وضعیت اجتماعی و اقتصادی شکننده‌تر امکان‌پذیر بود؟!

موردی دیگر در طرح پیشنهادی مورد نظر وجود داشت که بیشتر از هر موضوعی نشان‌دهنده فقدان شناخت و تجربه کافی پیشنهاددهنده طرح در ارتباط با جنگل‌های مورد طراحی بوده است. آن هم اینکه در برنامه‌های عملیات اساسی تهیه طرح تأکید شده بود که ضمن به رسمیت شناختن مالکیت عرفی به منظور برنامه‌ریزی، عرصه این واحدها کمتر از ۱۰۰۰ هکتار نباشد و در صورت وجود واحدهای کمتر از ۱۰۰۰ هکتار تا سطح ۱۰۰۰ هکتار ارتقا یابند! محدوده مالکیت عرفی، ریشه در تاریخ زیستی و یا کمینه در بازه‌ای قابل ملاحظه از تاریخ زیستی هر منطقه دارد. حدود جغرافیایی آن بنابر قراردادهایی نوشته و نانوشته تعیین شده است. رعایت حقوقی که ما تحت عنوان حقوق ارتفاقی می‌شناسیم، برای نسل‌های پی‌درپی الزامی است. چنانچه حتی پس از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع که این نوع مالکیت را به خودی خود فاقد اعتبار قانونی دانسته است، قراردادهای آباو اجدادی همچنان رعایت می‌شوند. پذیرش محدوده‌های عرفی به‌رغم عدم اعتبار قانونی توسط سازمان متولی مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی، به‌عنوان بخشی از تقسیمات ارضی طرح‌های مورد عمل باید شامل بهره‌گیری از توافق موجود در این محدوده‌ها و رعایت حقوق ارتفاقی آن‌ها باشد. به‌این ترتیب، ارائه هر برنامه و پروژه در قالب محدوده عرفی، همراهی مالکان آن را در پی خواهد داشت. تغییر حدود جغرافیایی این محدوده‌ها بدون رضایت و خواست مالکان عرفی ذی‌نفع امکان‌پذیر نیست. مگر با اجبار و زور که سرانجام آن، نیازی به توضیح ندارد. به‌هر صورت، این طرح هم فقط در حد پیشنهاد باقی ماند و اقدامی معنی‌دار در خصوص آن انجام نشد. فعالیت دفتر جنگل‌های خارج از شمال، پس از توقف تهیه و اجرای طرح‌های مدیریت منابع جنگلی سبب اعمال مدیریت اصولی بر جنگل‌های فراهیرکانی نشد. رویکردهای مختلف در چهارچوب سیاست‌های کلی سازمان جنگل‌ها و مراتع وقت

از تهیه آن نیز با اخذ نظرات مراجع ذی‌ربط و ذی‌صلاح، اصلاح‌های تکمیلی به‌منظور ارتقای طرح نهایی انجام شد. در نهایت، طرح مذکور مصوب و اجرا شد، اما طرح موسوم به صیانت زاگرس بدون هیچ‌گونه پشتوانه مطالعاتی و تا جایی که اطلاع دارم با دو صفحه توجیه ضرورت اجرای طرح صیانت در جنگل‌های زاگرس به سازمان برنامه و بودجه وقت ارائه و برای آن، ردیف اعتباری اخذ شد. این طرح‌ها که بر مبنای همان شرح خدمات پیشین تهیه شده بودند، موفقیتی نداشتند، بنابراین در ادامه فعالیت‌ها، طرحی دیگر برای مدیریت جنگل‌های کشور پیشنهاد شد. نام دقیق طرح پیشنهادی اخیر را نمی‌دانم، اما در چهارچوب آن نوعی جامعیت برای مدیریت منابع طبیعی مدنظر بود. مهم‌ترین تفاوت این طرح با طرح‌های پیشین، تدوین شرح خدمات مطالعه‌های طرح با نوآوری‌هایی در سیاست‌های کلان بود که تا آن زمان شاید جرئت بیان آن برای برنامه‌ریزان پیشین وجود نداشت. از مهم‌ترین برنامه‌های نشست‌گرفته از رویکرد جدید می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: یکی از برنامه‌های رویکرد جدید، خروج دام از بخشی از جنگل‌های زاگرس است که شرایط بهتری در وضعیت موجود دارند و مدیریت زادآوری طبیعی در آن‌ها امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، خروج دام از جنگل‌های پرتوان با هدف ایجاد زمینه‌های زادآوری طبیعی و امکان استقرار زادآوری‌ها به‌ویژه زادآوری جنسی و هدایت دام‌های خارج‌شده از جنگل‌های پرتوان به جنگل‌های کم‌توان‌تر، تجمیع آبادی‌های کم‌جمعیت و اسکان آن‌ها در مکان مناسب و پیش‌بینی احداث جاده‌های جنگلی با درجه‌های مختلف انجام گیرد. به‌طور کلی، در این طرح پیشنهادی، الگوی طرح‌های جنگل‌داری جنگل‌های هیرکانی نه تنها از بُعد فنی و تخصصی (عملیات اساسی تهیه طرح جنگل‌داری)، بلکه سیاست‌های اعمالی جنگل‌های نیم رخ شمالی البرز مانند خروج دام از جنگل، تجمیع خانوارهای جنگلی و احداث جاده‌های جنگلی مورد توجه بود. بدیهی است که خروج دام از جنگل، اثرگذارترین و مفیدترین اقدام برای احیا و پایداری جنگل‌ها محسوب می‌شود، اما آیا اجرای آن امکان‌پذیر هست؟ اگر دام از مناطق جنگلی پرتوان خارج و به مناطق جنگلی کم‌توان‌تر هدایت شود، موجب تسریع

بوم‌شناختی، وضعیت اجتماعی و اقتصادی و نظام‌های بهره برداری، تغییرات اساسی در سیاست‌های کلی این منابع اعمال شد. سپس، فعالیت براساس رویکرد جدید در قالب طرح‌های مدیریت منابع جنگلی (با پیشنهاد اولیه مبنی بر طرح‌های مدیریت منابع طبیعی) شروع شد. در سیاست جدید، برخی اقدام‌های گذشته منتفی و اقدام‌های جدید جایگزین شد. مهم‌ترین این تغییرات عبارت بودند از:

۱- تهیه شرح خدمات طرح جنگل‌داری متناسب با ویژگی‌های بوم‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی و نظام بهره‌برداری در جنگل‌های خشک و نیمه‌خشک

۲- تغییرات تقسیمات ارضی طرح‌ها مبتنی بر واحدهای آب‌شناختی به‌عنوان واحدهای مطالعاتی به‌جای سری‌های جنگل‌داری و واحدهای عرفی به‌عنوان واحدهای برنامه‌ریزی

۳- واگذاری اجرای طرح‌ها به تعاونی‌های متشکل از

ذی‌نفع‌های هر محدوده عرفی

۴- نظارت بر اجرای طرح‌ها توسط نهاد دولتی

۵- استفاده از خدمات تولیدی (فراهمی) پایدار بوم سازگان در محدوده طرح به‌منظور توانمندسازی جوامع جنگل نشین وابسته به جنگل

۶- ممانعت از موازی‌کاری و واگرایی و تجمیع هر نوع فعالیت مرتبط با احیا، بازسازی، بهره‌برداری و مدیریت جنگل در قالب طرح واحد مدیریت منابع جنگلی (منابع وابسته به بوم‌سازگان جنگلی)

۷- تشکیل تیم مطالعاتی در هر اداره کل منابع طبیعی و تهیه و اجرای طرح توسط کارشناسان اداره کل مربوطه در هر استان

متأسفانه مدیریت جدید (پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶)، با متوقف کردن تهیه و اجرای طرح‌های مدیریت منابع جنگلی، همه دستاوردهای طرح فوق را که خود نتایج حاصل از آسیب‌شناسی طرح‌ها و برنامه‌های ناموفق ۳۶ سال گذشته بود را از بین برد. در ادامه، نمونه‌هایی از این اقدام‌های ارتجاعی و ارجاعی به گذشته آمده است:

۱- واگرایی واحدهای اجرایی و اقدام‌های منفک توسط هر واحد بدون توجه به ارتباط بین مؤلفه‌های مختلف بوم

بر طرح‌های محوری یعنی نهضت سبز، طرح طوبی و یا زراعت چوب تأکید داشت. عدم پیگیری طرح‌های مدیریت منابع جنگلی که به‌طور مشخص از زمان تغییر مدیریت کلان سازمان متبوع پس از انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۷۶ به‌وقوع پیوست، در واقع می‌تواند تاریخ مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی را به دو بخش پیش و پس از انتخابات فوق تقسیم کند.

مدیریت کلان سازمان مذکور از سال ۱۳۷۶ به بعد فقط تهیه و اجرای طرح‌های مدیریت منابع جنگلی در جنگل‌های فراهیرکانی را متوقف نکرد. بلکه پیامدهای ناشی از تغییر رویکرد مدیریتی بر جنگل‌های خارج از شمال، بسیار و بسیار اثرگذارتر از نفی یک نوع فعالیت مدیریتی با عنوان مدیریت منابع جنگلی خارج از شمال بود. سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور از آغاز دهه ۴۰ شمسی، مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی را با آغاز تهیه طرح جنگل‌داری در قالب مدیریت علمی شروع کرد. چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، مجموعه فعالیت‌های این سازمان که همراه با آزمون و خطاهای مختلفی بود، سبب موفقیت قابل‌ملاحظه در مدیریت پایدار جنگل‌های فراهیرکانی نشد. در سال ۱۳۷۵ سازمان متولی مدیریت این جنگل‌ها با بررسی و آسیب‌شناسی لازم درخصوص عدم توفیق اجرایی طرح‌ها و برنامه‌های گذشته، رویکردی جدید را در امر مدیریت جنگل‌های مذکور در دستور کار خود قرار داد.

نگرش جدید به جنگل‌های خشک و نیمه‌خشک کشور بر این واقعیت تأکید داشت که این جنگل‌ها، تفاوت‌های بارزی با جنگل‌های مرطوب هیرکانی دارند. طرح‌های جنگل‌داری هیرکانی از بُعد فنی و تخصصی خود برگرفته از الگوی مدیریتی جنگل‌های مشابه در اروپا هستند، بنابراین این طرح‌ها نمی‌توانند الگوی مناسب برای طرح‌های جنگل‌داری جنگل‌های خشک و نیمه‌خشک باشند. از دهه ۴۰ شمسی به بعد حدود ۳۵ سال طرح‌ها و برنامه‌های مختلف با بهره‌گیری از الگوی مدیریتی جنگل‌های مرطوب هیرکانی آزمایش شد و نتیجه‌ای مطلوب حاصل نشد. در سال ۱۳۷۵ با آسیب‌شناسی طرح‌ها و برنامه‌های گذشته و تمرکز بر ویژگی‌های

بخش‌های زراعت چوب و گیاهان دارویی به‌منظور مدیریت منابع جنگلی واحد آب‌شناختی موردعمل بهره‌گیری می‌شد. همه پروژه‌های اجرایی تولیدی در محدوده طرح مدیریت منابع جنگلی که شامل واحد آب‌شناختی مربوطه بودند، باید در خدمت مدیریت پایدار بوم‌سازگان قرار می‌گرفتند. نتیجه اینکه تلاش شد تا هم‌گرایی بین دفترهای ستادی معاونت جنگل برای تهیه و اجرای طرح واحد انجام شود. به‌طوری‌که براساس تعامل و تفاهم صورت‌گرفته، اجرای طرح‌ها و برنامه‌های واحدهای دیگر مانند مرتع و آبخیزداری نیز در قالب طرح واحد مدیریت منابع جنگلی که در واقع همان طرح مدیریت منابع طبیعی بود، پیگیری شود. پس از تشکیل دفتر جنگل‌های خارج از شمال، فعالیت‌های بخش‌های مختلف به همان روال پیش از سال ۱۳۷۶ یعنی فعالیت مستقل هر بخش بازگشت. این موضوع در چهارچوب آسیب‌شناسی علت‌های) عدم توفیق اجرایی طرح‌های جنگل‌داری پیش از سال ۱۳۷۶، یکی از دلایل‌های عمده عدم توفیق اجرایی طرح‌ها شناخته شده بود، بنابراین در طرح‌های مدیریت منابع جنگلی، فعالیت‌های انتزاعی و بخشی ممنوع شد و همه طرح‌ها و برنامه‌ها در قالب طرح واحد مدیریت منابع جنگلی پیش‌بینی شده بود.

۲- فقدان نیروی فنی و کارشناسی کافی در مناطق خشک و نیمه‌خشک همواره از مشکلات تهیه طرح‌های منابع طبیعی بوده است. به‌نحوی‌که تا اواسط دهه ۷۰ به‌منظور تهیه طرح یک سری جنگل‌داری پنج هزار هکتاری، دفتر متولی مدیریت جنگل‌های کشور، مجبور به اعزام نیروی فنی از ستاد چالوس به استان محل تهیه طرح بود. از آن جمله می‌توان به مطالعه‌های شناسایی جنگل‌های استان کهگیلویه و بویراحمد و طرح‌های مورد عمل جنگل‌داری در استان خراسان در اوایل دهه ۱۳۷۰ شمسی (طرح‌های جنگل‌داری ارس هزارمسجد و پسته خراسان) اشاره کرد که نه تنها همه نیروی کارشناسی مورد نیاز برای تهیه طرح از کارشناسان جنگل تا کارشناسان زمین‌شناسی، خاک‌شناسی، اجتماعی و اقتصادی از ستاد چالوس و به‌ویژه دفتر فنی جنگل‌داری به استان مذکور اعزام شدند، بلکه همه نیازهای لجستیکی تهیه طرح از طریق دفتر

سازگان، از بزرگ‌ترین مشکلات پیش از طرح‌های مدیریت منابع جنگلی بود. یعنی در عرصه واحد، دفتر فنی جنگل‌داری، طرح جنگل‌داری و دفتر جنگل‌کاری در همان عرصه و بدون هیچ تعامل و همکاری، طرح جنگل‌کاری تهیه می‌کردند. چه بسا در همین عرصه واحد، دفتر بهره‌برداری، مستقل از دفترهای دیگر، مبادرت به تهیه طرح بهره‌برداری از محصولات فرعی می‌کرد. صدالبته هیچ‌کدام نیز توفیقی در اجرا نداشتند، اما در طرح مدیریت منابع جنگلی، فعالیت هیچ بخشی خارج از محدوده طرح مذکور، مجاز نبود. نه تنها بخش جنگل بلکه بخش‌های مرتع و آبخیزداری باید مسائل مدیریتی مرتبط با مرتع و آبخیز را در واحد آب‌شناختی طرح مدیریت منابع جنگلی پیگیری می‌کردند. به‌عبارت دیگر، طرح واحد برای مدیریت کل منابع تجدیدشونده اجرا می‌شد، اما متأسفانه پس از توقف تهیه و اجرای این طرح‌ها، فعالیت بخش‌های مختلف منابع طبیعی به روال نامناسب گذشته بازگشت. بهره‌برداری از محصولات غیرچوبی، بخشی مستقل و جدا از مدیریت منابع طبیعی اعم از جنگلی و مرتعی محسوب می‌شود که بر بهره‌برداری متمرکز بوده است. تاجایی‌که پیگیری بهره‌برداری محصولات غیرچوبی جنگلی از بخش جنگل جدا و به بخش مرتع اضافه شد. کشت گیاهان دارویی که پروژه‌ای به‌عنوان توانمندسازی جوامع جنگل‌نشین در چهارچوب طرح مدیریت منابع جنگلی بود، نه به‌عنوان طرح مستقل که در این صورت هم غیرعلمی و غیراصولی بود، بلکه تا حد هم‌ترازی تشکیلاتی با دفترهای ستادی برای کشت و بهره‌برداری از گیاهان دارویی ارتقا یافت. همچنین، براساس قانون، توسعه زراعت چوب، خارج از وظایف سازمان جنگل‌ها و مراتع وقت بود و فقط نظارت بر اجرای آن به‌عهده سازمان است، اما خود در قالب تشکیلاتی مستقل و جدا از طرح‌های مدیریت منابع جنگلی و مرتعی فعالیت می‌کند. در طرح‌های مدیریت منابع جنگلی به پروژه‌هایی مانند زراعت چوب و گیاهان دارویی توجه شده بود تا با درآمد اقتصادی ناشی از اجرای این پروژه‌ها و به‌عبارت دیگر توانمندسازی اقتصادی جنگل‌نشینان، وابستگی آن‌ها به عرصه جنگل از طریق چرای دام و زراعت زیرآشکوب کاهش یابد. در واقع از تولیدات

فنی محول و نیروهای فنی دیگر از دفتر فنی جنگل‌داری اعزام می‌شده است. در چهارچوب طرح‌های مدیریت منابع جنگلی از نخستین اقدام‌های زیربنایی برای آماده‌سازی اداره‌کل‌ها می‌توان به تشکیل تیم مطالعاتی متشکل از کارشناسان با تخصص‌های مختلف در اداره‌کل‌های منابع طبیعی هر استان مورد عمل تهیه طرح اشاره کرد. بی‌تردید کارشناسان مجرب با تخصص‌های مختلف به‌صورت نوپدید در اداره‌کل‌ها به وجود نیامده‌اند. در سال ۱۳۷۵ که عملیات میدانی طرح‌های مدیریت منابع جنگلی شروع شد، به مجموعه نیروهای تخصصی استانی در همه استان‌های مورد عمل نیاز بود. این کارشناسان پیش از آن هم در همان استان فعالیت می‌کردند، اما تجمیع آن‌ها تحت عنوان تیم مطالعاتی اغلب با مخالفت مدیرکل‌ها مواجه می‌شد. به‌طوری‌که آن‌ها وظیفه‌ای خاص را به کارشناسان محول می‌کردند و مانع از حضور آنان در تیم مطالعاتی می‌شدند. کمیته پیگیری تهیه طرح‌های مدیریت منابع جنگلی در حوزه معاونت جنگل، ضرورت تشکیل این تیم را اجتناب‌ناپذیر می‌دانست، بنابراین اعضای این کمیته، خواستار دستور صریح ریاست محترم وقت سازمان به مدیرکل‌ها مبنی بر عدم ممانعت از حضور هر کارشناس مورد درخواست کمیته برای عضویت در تیم مطالعاتی استان شد. با دستور ریاست سازمان و همکاری مدیرکل‌های استانی در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ همه فعالیت‌های تهیه طرح‌ها در استان‌های مورد عمل توسط کارشناسان استانی انجام شد. در ادامه، این تیم‌ها به‌عنوان قوی‌ترین بازوی فنی و تخصصی مورد حمایت استانی علاوه بر طرح مدیریت منابع جنگلی در امور فنی و تخصصی دیگر با مجموعه اداره‌کل همکاری داشتند. نگارنده به‌عنوان کسی که به‌تقریب همه عمر خدمتی خود را در مناطق خشک و نیمه‌خشک سپری کرده‌ام و با توانمندی‌ها و ضعف‌های ساختاری و تشکیلاتی این مناطق آشنایی دارم، تشکیل تیم‌های مطالعاتی در هر استان را که پیش از آن سابقه نداشت، مهم‌ترین دستاورد فنی طرح‌های مدیریت منابع جنگلی می‌دانم. متأسفانه با توقف تهیه طرح‌های مدیریت منابع جنگلی، این تیم‌های مطالعاتی که وجودشان برای پیشبرد اهداف تخصصی و فنی استانی ضروری بود، از هم پاشید و هرکدام

از اعضای تیم به مسئولیت‌های سابق خود برگشتند. پس از توقف تهیه و اجرای طرح‌های مدیریت منابع جنگلی همانند سال‌های پیش از ۱۳۷۵، طرح‌ها و برنامه‌های مختلف مورد آزمون و خطا قرار گرفت، اما هیچ‌یک از این طرح‌ها و برنامه‌ها در اجرا موفق نشدند. پس از گذشت حدود یک دهه، عدم کارایی اقدام‌هایی مانند پیوستن دفتر جنگل‌های خارج از شمال به معاونت مرتع و آبخیزداری و نیز اجرای طرح طوبی به اثبات رسید. سرانجام مدیریت جنگل‌های خارج از شمال از معاونت مرتع و آبخیزداری جدا شد و به معاونت امور جنگل ارجاع داده شد. همچنین، تهیه و اجرای طرح‌های موسوم به طوبی از سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری خلع و به بخش دیگری از وزارت متبوع واگذار شد، اما افسوس که خسارت ناشی از واگذاری مدیریت جنگل به معاونت مرتع و آبخیزداری و نیز اراضی ملی واگذار شده به‌منظور اجرای طرح طوبی جبران نخواهد شد. نمونه‌ای از آن، وبلاهای پیرامون تهران بزرگ است که هرگز به وضعیت سابق خود بازنگشتند.

اینکه پس از توقف تهیه و اجرای طرح‌های مدیریت منابع جنگلی، عملکرد مرجع متولی مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی در امر مدیریت این جنگل‌ها چه بوده است و دستاوردهای آن چیست، موضوعی است که دست‌اندرکاران مربوطه باید نسبت به آن اظهار نظر کنند. نگارنده تا مقطع تهیه و اجرای طرح‌های مدیریت منابع جنگلی، دست‌اندرکار مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی بودم و در جریان مستقیم سیاست‌گذاری‌ها و اقدام‌های مرتبط با مدیریت این جنگل‌ها قرار داشتم که چگونگی تغییر روند آن را بیان کردم. از آنجایی که از تاریخ واگذاری مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی به معاونت مرتع و آبخیزداری، هیچ نوع فعالیتی در چهارچوب ساختار تشکیلاتی جدید (دفتر جنگل‌های خارج از شمال و یا مرکز جنگل‌های خارج از شمال) نداشتم، شرح ادامه روند تحولات مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی را به دست‌اندرکاران مربوطه واگذار می‌کنم.

## جمع‌بندی

در پایان، ضمن ارائه یک جمع‌بندی فشرده عرض می‌شود که از اوایل دهه ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۷۵، طرح‌ها و برنامه‌های مختلف به‌صورت بخشی و انتزاعی بدون سیاست‌گذاری مشخص و با الگوی مدیریتی جنگل‌های هیرکانی در قالب مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی آزمایش می‌شد. واگرایی و عدم تعامل و هماهنگی بین واحدهای مرتبط با مدیریت این جنگل‌ها، مهم‌ترین شاخصه فعالیت‌های این بازه زمانی بود. از سال ۱۳۷۵، رویکرد کلی مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی، ضمن آسیب‌شناسی اقدام‌های گذشته تغییر کرد. مهم‌ترین شاخصه رویکرد جدید، اجتناب از بخشی‌نگری و تجمیع فعالیت‌ها در چهارچوب طرحی واحد با عنوان برنامه مدیریت منابع جنگلی (در واقع، مدیریت منابع طبیعی) بود. در رویکرد جدید ضمن یکپارچه‌سازی فعالیت‌ها، اصول فنی طراحی‌ها و به‌ویژه در بخش جنگل‌داری با تهیه شرح خدمات متناسب با ویژگی‌های بوم‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی منطقه (ازجمله اعمال محدوده‌های عرفی در تقسیمات ارضی، معرفی واحدهای عرفی به‌عنوان واحدهای برنامه‌ریزی و انتخاب واحدهای آب‌شناختی به‌عنوان واحدهای مطالعاتی و طراحی) بازنگری شد. همچنین، با ایجاد تشکلهایی از ذی‌نفعان عرفی، اجرای طرح‌ها به آن‌ها واگذار شد. بخش دولتی به‌عنوان ناظر بر اجرای طرح‌ها تعیین شد. با این رویکرد با عنوان طرح‌های مدیریت منابع جنگلی طی سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ در جنگل‌های فراهیرکانی، طرح‌ها تهیه و شروع به اجرای آن‌ها شد. با تغییر مدیریت کلان در سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، طرح مدیریت منابع جنگلی بدون هیچ بررسی، مطالعه و آسیب‌شناسی در رویکرد جدید کنار گذاشته شد. در واقع از سال ۱۳۷۷ طرح‌ها و برنامه‌های دیگری جایگزین طرح مذکور شدند. با ایجاد دفتر مستقل برای مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی در زیرمجموعه معاونت مرتع و آبخیزداری و در ادامه، تحت عنوان مرکز جنگل‌های خارج از شمال، روندی تازه در مدیریت جنگل‌های خشک و نیمه خشک کشور شروع شد. این دفتر، اقدام‌های قابل‌ملاحظه‌ای را تاکنون در ارتباط با وظایف محوله‌اش انجام داده است که

باید توسط دست‌اندرکاران ذی‌ربط و ذی‌صلاح تشریح و معرفی شود، اما این واقعیت را نیز باید پذیرفت که تشکیلات جدید، اعتنای قابل‌قبولی به اقدام‌های گذشته نداشت. این دفتر به‌قول معروف از صفر شروع کرد. فعالیت‌ها به‌تدریج از منظر تشکیلاتی به پیش از سال ۱۳۷۵ بازگشت. یعنی واگرایی و فعالیت‌های انتزاعی و بدون هماهنگی و همکاری در عمل ادامه یافت. به‌عنوان نمونه، پروژه‌هایی مانند بهره‌برداری از محصولات فرعی، کاشت گیاهان دارویی، توسعه زراعت چوب و پروژه‌های مشابه که با هدف توانمندسازی جوامع جنگل‌نشین در طرح‌های مدیریت منابع جنگلی مورد توجه بودند، هریک به‌عنوان طرحی مستقل اجرا شدند. پس از توقف طرح‌های مدیریت منابع جنگلی، دفتر متولی مدیریت حدود ۸۵ درصد از جنگل‌های کشور، طرح‌های دیگری مانند صیانت از جنگل‌های زاگرس، مدیریت منابع طبیعی و جنگل‌داری چندمنظوره را همانند سال‌های پیش از ۱۳۷۵ به‌صورت آزمون و خطا اجرا کرد. آشکار است که نتایج اجرای این طرح‌ها، همان دستاوردهای سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۵ بودند. یعنی برای این بوم‌سازگان رو به نابودی که احتمال تاب‌آوری بوم‌شناختی برای آن پیش‌بینی نمی‌شود (Zafarian Rigaki *et al.*, 2023)، هنوز نقشه راه و نسخه‌ای شفاف و شفاف‌بخش در دست نیست.

در پایان بی‌مناسبت نمی‌دانم حسرتی را که بر دل نگارنده و کمیته پیگیری مدیریت جنگل‌های خارج از شمال در سال ۱۳۷۵ باقی‌مانده است، بازگو نکنم. آن هم اینکه ای کاش با اندکی انصاف و بررسی موشکافانه، دستاورد دوساله طرح‌های مدیریت منابع جنگلی ارزیابی می‌شد و ادعای کمیته پیگیری مدیریت جنگل‌های خشک و نیمه‌خشک مبنی بر دستیابی به نقشه راه مناسب مدیریت پایدار جنگل‌های فراهیرکانی به‌صورت بی‌طرفی بررسی می‌شد. سپس، برای آینده مدیریت این منابع تصمیم‌گیری می‌شد. کمیته برآیند این تصمیم می‌توانست بهره‌گیری از تجربه‌های حدود پانزده نفر از کارشناسان ارشد و مجرب (هریک با حدود ۲۰ سال تجربه و به‌عبارتی ۳۰۰ نفر سال تجربه) در ادامه راه باشد. نه اینکه نه تنها هیچ‌یک از کارشناسان مجرب یادشده در تشکیلات جدید

شورای عالی جنگل، مرتع و آبخیزداری و یا بنابر علاقه‌مندی شخصی در مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی مشارکت داشته‌ام. اگرچه آنچه که لازم و کافی بود را به نگارش درآوردیم، اما صلاح مملکت را نیز پیوسته خسروان دانند.

به‌کار گرفته نشوند، بلکه در صورت نظرخواهی از این کارشناسان شناخته‌شده، استان درخواست‌کننده مشاوره بازخواست شود.

پرونده اداری و تشکیلاتی نگارنده که همه توان و تلاش خود را در ارتباط با جنگل‌های خشک و نیمه‌خشک صرف کرده است، هیچ‌گاه در دفتر و یا مرکز جنگل‌های خارج از شمال ثبت نشد. از سال ۱۳۷۶ به بعد نیز یا در مقام عضویت

## References

- Ebrahimi Rostaghi, M., 2023. Managing the Extra-Hyrcanian Forests of Iran (Part one: from 1949 to 1978). Iranian Journal of Forest and Poplar Research, 31(1): 65-85 (In Persian with English summary).
- Ebrahimi Rostaghi, M., 2024. Managing the Extra-Hyrcanian Forests of Iran (Part two: 1979-1996). Iranian Journal of Forest and Poplar Research, 32(1): 77-95 (In Persian with English summary).
- Fattahi, M., Gheibi, F., Narimani, J., Kargar, A., Ghanadkar Sarabi, M. and Ebrahimi Rostaghi, M., 2003. Brief report on the comparative evaluation of Forest Resource Management and Touba Plans. Unpublished manuscript, Forests, Range and Watershed Management Organization, Tehran, Iran, 16p (In Persian).
- Mahmoudi, B. and Derakhshan Houreh, S., 2023. Evaluation of monitoring criteria and indicators of Zagros forest resources management plan by local communities (case study: Bazoft region). Iranian Journal of Forest, 15(3): 277-291 (In Persian with English summary).
- Pirzadian, A., Adeli, A. and Kiadaliri, H., 2009. The Role of local communities in the implementation of conservation and development plans for the Zagros Forests: A case study in Kermanshah Province. Proceedings of Third National Conference on Forest. Karaj, Iran, 12 May 2009: 15p (In Persian).
- Zafarian Rigaki, I., Soltani, A. and Jafari, A., 2023. The effect of some anthropogenic disturbances on the structure of oak forests in the Central Zagros. Iranian Journal of Forest, 15(3): 361-376 (In Persian with English summary).